بیاض

معرفی کتاب

تذکرهٔ مشایخ قم.

نورالدین علی بن حیدر علی بن منعل قمی - تحقیق و تصحیح غلامعلی عباسی. زائر. کنگرهٔ بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم. مجموعه آثار شماره ۲۷. چاپ اوّل. تابستان ۱۳۸۳ [انتشار ۱۳۸۵]. ۲۰۰ صفحه رقعی.

تذکرهٔ مشایخ قم

تألیف
نورالدین علی بن حیدر علی منعل قمی
متوفای حدود ۹۸۰ هـ.ق

تحقیق و تصحیح
غلامعلی عباسی

رساله‌ای است مختصر به زبان فارسی دربارهٔ مشایخ قم (محدثین و فقها و ...). مؤلف که از هم عصران شاه طهماسب صفوی است و در ۹۷۸ ق رسالهٔ خود را به پایان رسانده است این مشایخ را (که تعداد آنها ۱۱۴ نفر است) از منابع زیر استخراج کرده و به ترتیب الفبایی به دقّت تنظیم کرده است: فهرست شیخ طوسی، رجال شیخ طوسی، رجال کشّی، رجال نجاشی، خلاصة الاقوال علاّمه حلی، رجال ابن داود و فهرست منتجب الدین. مؤلف در مقدمه غرض از تدوین این اثر را گرفتن مجال اعتراض از خصم و نیز الگوسازی برای ساکنان قم بیان کرده است و سپس یاد کردی نیکو از پادشاه رواج دهندهٔ مذهب ائمهٔ اثنا عشر دارد که باید همان شاه طهماسب صفوی باشد (صص ۳۸- ۴۰).

از این رساله نسخه‌ای منحصر به فرد در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ ۵۱۴، مجموعهٔ طباطبایی نگهداری می‌شود که نخستین بار استاد حسین مدرسی طباطبایی، بر اساس آن، کتاب را با مقدمه‌ای عالمانه و تصحیحی مقبول، به سال ۱۳۵۳ (چاپخانه حکمت قم) منتشر کرد.

مرحوم دانش پژوه هم در فهرستی که برای کتابخانهٔ آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه (س) نوشت، (در مقدمه ص ۹۰) از این رساله یاد می‌کند. چاپ حاضر اگرچه به دقت تهیه شده و در میان آثار کنگره، قوّتی دارد، ولی اگر به صورت افست تهیه و یا حدّاقل مقدمهٔ استاد مدرسی طباطبایی هم در آن آورده می‌شد هم از هزینه‌ای که برای تصحیح مجدّد آن (البته از روی نسخهٔ چاپی و نه نسخهٔ خطّی) صرف شده کاسته می‌شد، و هم کتاب به صورتی مقبول‌تر در اختیار خوانندگان قرار می‌گرفت.

کتاب با مقدمهٔ چهارصفحه‌ای دبیر کنگره، احمد عابدی آغاز می‌شود و پس از فهرست کتاب، «سرآغاز» (= پیشگفتار) مصحّح آمده که در آن بیشتر به مطالب جنبی، با لحنی احساسی پرداخته شده است. (تا صفحه ۳۲). متن از صفحهٔ ۳۳ آغاز می‌شود که در آن پس از مقدمهٔ مؤلّف، باب همزه آغاز می‌شود (با «آدم بن اسحاق») و تا ۱۵۶ ادامه دارد (باب الیاء، یعقوب بن یزید).

مصحّح در انتها لیستی از مشایخی را که در طرح نورالدین علی منعل قمی جای آنها خالی است و تا پایان قرن ۱۰ هجری زیسته‌اند، از کتب رجالی و فهارس استخراج کرده و ضمیمه نموده است (صفحات ۱۵۷ تا ۱۷۵) فهارس پایانی کتاب هم شامل سه مورد است: اعلام، اماکن و کتاب‌نامه.

ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین، و تلیها ترجمة ابنه الامام محمدالباقر، مِن تاریخ مدینه دمشق.

الحافظ ابی القاسم علی بن الحسن بن هبة الله الشافعی المعروف بابن عساکر. تحقیق محمد باقر المحمودی. قم. دلیل ما. الطبعة الاولی ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ هـ.ق. ۴۰۰ صفحه.

این کتاب که آخرین کار منتشر شده از مرحوم شیخ محمد باقر محمودی است، شامل استخراجِ احوال امام چهارم و امام پنجم شیعیان از تاریخ ابن عساکر است که مجزّا به چاپ رسیده (مثل ترجمهٔ احوال امام علی (ع) و امام حسین (ع) از تاریخ ابن عساکر که خود مرحوم محمودی منتشر کرده بود). در صفحهٔ نخست، ذیل توضیح ناشر، آمده است که سیزده سال پیش این کتاب در ۳۰۸ صفحه مهیّا شد که در این سالها محقّق محترم تعلیقات و استدراکات فراوانی بر آن زد تا حجم آن به اندازهٔ کنونی (۴۰۰ صفحه) رسید.

آنگاه بخش مربوط به امام زین العابدین (ع) آغاز می‌شود (صص ۷ - ۱۵۶). پس از آن، در صفحاتِ ۱۵۹ تا ۱۹۴، «مستدرکات ترجمهٔ امام زین العابدین» آمده که از خودِ مرحوم محمودی است. بخش امام باقر (ع) از صفحه ۱۹۵ آغاز می‌شود و تا صفحه ۲۵۳ ادامه دارد به ضمیمهٔ «مستدرکات ترجمهٔ امام باقر (ع)» (صص ۲۵۴ - ۲۷۴). از صفحهٔ ۲۷۵ تا پایان کتاب هم دو فهرست مجزّا (برای هر امام، یک فهرست) تنظیم شده که شامل بخش‌های اعلام، طوایف و مجتمعات، اماکن، اقوام و آیات است. تعلیقات مفصّل و پربار مرحوم محمودی در ذیل برگ‌ها (پاورقی) آمده که چون دیگر آثار آن مرحوم، ارزشمندی اثر را مضاعف نموده است.

جغرافیای تاریخی قم.

مؤلف: ناشناخته. به کوشش ابوالفضل عرب زاده. زائر. کنگرهٔ بزرگداشت حضرت فاطمهٔ معصومه علیها السّلام و مکانت فرهنگی قم. مجموعه آثار شماره ۶. چاپ اوّل. بهار ۱۳۸۳ [انتشار ۱۳۸۵]. ۲۷۲ صفحه.

در کتابخانهٔ آیةالله العظمی گلپایگانی در قم، دستنویسی موجود است به خط شکستهٔ کاملاً جدید در ۲۳۰ صفحه، پیرامون تاریخ قم و جغرافیای این شهر (عنوانِ «جغرافیای تاریخی» که توسط مصحّح برای این کتاب در نظر گرفته شده کاملاً نارسا و نادرست است).

تألیف این کتاب قطعاً تا سال ۱۳۴۲ شمسی ادامه

داشته چرا که در آن، از این سال چندین بار ذکری به میان آمده است. همچنین مؤلّف از عباس فیض (نوهٔ میرزا علی اکبر خان فیض قمی - که خود چون جدّش آثاری دربارهٔ قم دارد) - مرحوم علی اصغر فقیهی، مرحوم ناصرالشریعه (صاحب تاریخ قم موسوم به مختار البلاد) و مرحوم حسین کریمان یاد می‌کند. مصحّح، مؤلف را نشناخته است و البته گویا زمانی که آن را تصحیح می‌کرده (سال ۱۳۸۰ - تاریخ مقدمه) این امکان وجود داشته که از مرحوم استاد فقیهی (که در آن تاریخ زنده بود) دربارهٔ مؤلّف این اثر استعلامی به عمل آورد و نمی‌دانم آیا چنین کرده است یا خیر. به هر صورت مؤلّف نباید شخص کاملاً ناشناخته‌ای باشد و شاید بتوان از نشانه‌های بسیاری که در متن هست او را شناخت. همچنین شاید بتوان از استاد مدرسی طباطبایی در این باره پرس و جو کرد.

به هر روی، کتابی است در یک مقدمه و هفت بخش کلّی به این شرح: جغرافیای شهرستان قم، جغرافیای تاریخی شهرستان قم، بناهای تاریخی شهرستان قم، دانشمندان و رجال قم، اخلاق و رسوم قمی‌ها، قم در زمان‌های مختلف، راه‌ها و فواصل و مسافات.

از ویژگی‌های این کتاب، ذکر منابعی است که مؤلّف از آنها بهره برده است و این نشان می‌دهد شخص کتاب خوانده و دانشوری باید باشد و از این‌روست که می‌گوییم امکانِ شناخته شدنِ او هست.

این کتاب با مقدمهٔ سه صفحه‌ایِ دبیر کنگره، احمد عابدی آغاز می‌شود و پس از فهرستِ اجمالیِ کتاب، پیش-

گفتار مصحّح دیده می‌شود. در این مقدمه، کتاب به اختصار معرفی شده و بیش از آن به بیان مطالبی غیر سودمند دربارهٔ وضعیتِ فعلی قم پرداخته شده است که وجود آن در این مقدمه کاملاً غیر ضروری است. (آن هم از روی یک منبع - آمارنامهٔ سال ۱۳۷۹ استان قم).

پس از متن، منابع و مآخذ مؤلّف آمده که نمی‌دانم مصحّح آن را تنظیم کرده است و یا در دستنویسِ اثر وجود داشته است. در پایان هم فهرست تفصیلی مطالب دیده می‌شود. وجود یک سری فهرست برای چنین کتابی ضرورت دارد که جای خالی آن احساس می‌شود.

در این اثر هم اغلاط چاپی و اشکالات فنّی دیده می‌شود که از میزان اعتماد خواننده نسبت به کتاب می‌کاهد. اغلاطی چون جا افتادن واژهٔ «شهرستان» (در عنوان روی جلد کتاب) ویا اشتباهات مطبعیِ فاحش در جدولِ «فیپا»ی آغاز کتاب (مانت به جای «مکانت» و...)

الشیعة فی کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب (لابن العدیم).

انتخبه و حقّقه حسین الواثقی. قم. دلیل ما. الطبعة الاولی، ۱۳۸۴ ش/ ۱۴۲۶ هـ.ق. ۲۴۸ صفحه.

کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب، اثر کمال الدین عمربن احمد بن هبةالله، مشهور به ابن العدیم (۵۸۸ - ۶۶۰ق) از دانشمندان و سیاسیونِ عصر خود است که این کتاب را به تاریخ حلب اختصاص داده است. او هم مانند استادش ابن عساکر، طرحی وسیع را برای تدوین این اثر در نظر گرفته و به جز بیان تاریخ حلب و اعمال و توابع آن، تمام کسانی را که اهل حلب بوده‌اند و یا در آن زیسته‌اند و یا از آن شهر و حتی یکی از توابع آن شهر گذشته‌اند ذکر کرده است. از موارد مهم کتاب پیرامون تاریخ قرن نخستین اسلامی، یکی یاد کرد سپاهیان امیرالمؤمنین علی (ع) و نیز معاویه است که در صفّین، یکی از توابع حلب با هم روبرو شدند.

گویند کتابِ ابن العدیم چهل جلد بوده است که متاسفانه بسیاری از مجلدات آن تاکنون مفقود است (یا به صورت دستنویس‌های ناشناخته، باقی مانده). تصحیح و تحقیق مجلّداتِ بازمانده را دکتر سهیل زکّار به دقّت انجام داده (در ۱۰ جلد متن و ۲ جلد فهارس). حسین واثقی که مطالب مربوط به شیعهٔ امامیهٔ این کتاب را بسیار مهم و بعضاً منحصر بفرد یافته، تدوین مجلّدی خاص را برای انتشار بیشتر این بخش خاص لازم دیده که شامل موارد زیر است:

- گروهی از اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) که در صفّین شهید شدند، به ترتیب الفبا.
- چهل نفر از علمای شیعهٔ اهل حلب و جز آن که در این کتاب مذکورند.
- برخی از بیوت شیعه در حلب.
- اشراف و نقبای حلب به همراه تکمله‌ای بر کار ابن العدیم که از کتاب موارد الاتحاف (اثر عبدالرزاق کمونة الحسینی) نقل شده است.

پس از مقدمه (صص ۷ - ۱۶) متن اصلی آمده است که تا صفحهٔ ۱۸۱ ادامه دارد. ده فهرست در پایانِ کار آمده به این شرح: الایات القرآنیه، الاحادیث الشریفة، الاشعار، الکتب المذکورة فی الکتاب، الامکنه، الایّام، المذاهب الاسلامیة، الاعلام، مصادر التحقیق و فهرس المحتوی.

مُسند بریدة الاسلمی، صحابی رسول الله (ص).

السید ابوالفتح الدعوتی. قم. دلیل ما. الطبعة الاولی. ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ هـ.ق. ۲۴۲ صفحه.

بریدة بن عبدالله الاسلمی، صحابی رسول الله (ص) و دوستدار علی (ع) از کسانی است که در کتب فریقین از او روایات زیادی نقل شده است که بسیاری از آنها دربارهٔ مسائل مربوط به خلافتِ پس از رسول الله (ص) است. بریده در عصر عثمان با گروهی از غازیان به خراسان رفت. در عصر خلافت علی (ع) به مدینه بازگشت و برای بار دوم باز به خراسان رفت و این بار در مرو ساکن شد. او در ۶۳ هجری در مرو درگذشت (قبرش در آن شهر هنوز باقی است)

مؤلّف کتابِ خود را در سه فصل به شرح زیر مرتّب کرده است:

- فصل اوّل: بریدة الاسلمی کما عرّفه اصحاب السیر و الرجال (۱۱ - ۲۱)
- فصل دوم: فی ما روته الشیعة فی کتبهم (صص ۲۳ - ۱۰۶)
- فصل سوم: احادیث بریدة فی الصّحاح السّتة و غیرها (صص ۱۰۷ - ۱۹۴)

در پایان (صص ۱۹۵ - ۲۴۲) فهارس زیر دیده می‌شود: الایات الکریمة، الاعلام، الجماعات و الاقوام و القبائل، الادیان و المذاهب، الاماکن و البلدان، الوقائع و الایام، الکتب الواردة فی المتن، المصادر، المطالب.

معماری امامزادگان قم در قرن هشتم.

عمار کاوسی. زائر. کنگرهٔ بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسّلام و مکانت فرهنگی قم. مجموعه آثار شماره ۴۸. چاپ اوّل. ۱۳۸۴ [انتشار ۱۳۸۵]. ۱۳۲ صفحه، رقعی.

در این کتاب معماری مقبرهٔ چهار امامزادهٔ مدفون در قم که در قرن هشتم هجری ساخته شده بررسی شده است. موارد چهارگانه چنین است: سیّد سربخش، شاه احمد بن قاسم، خدیجه خاتون و شاهزاده ابو احمد محمد بن حنفیّه.

کتاب در سه فصل کلّی و یک بخش با عنوان «نتیجه‌گیری» تدوین شده که در فصل اوّل «کلیاتی درباره تاریخ معماری و تزئینات دورهٔ ایلخانی» بیان شده است. فصل دوم دربارهٔ مقابر برجی شکل، سیر تحول و فلسفهٔ ایجاد چنان آرامگاههایی است. و فصل سوم معرفی چهار بنای مذکور. در این فصل، برای هر بنا این موارد مورد بحث قرار گرفته است: موقعیت اثر، پیشینه تحقیقاتی، نوع نقشه، نمای خارجی، نمای داخلی، ورودی بنا، گنبد، تزئینات (گچکاری، کاشیکاری، مقرنسکاری و ...) بررسی کتیبه‌ها، تاریخ انتساب بنا و تعمیرات و تصرّفات انجام شده در آن.

پس از مقدمهٔ چهار صفحه‌ای دبیر کنگره، «درآمد» کتاب از مؤلّف آمده و از صفحهٔ ۹ تا ۱۰۱ متن کتاب قرار دارد. آنگاه فهرست منابع و مآخذ (شامل ۳۱ منبع فارسی و ۳ منبع لاتین) و سپس تا صفحهٔ ۱۳۲، ۲۷ تصویر و نقشه در انتهای کتاب دیده می‌شود.

جواد بشری

چاپ حروفیِ کهن‌ترین دست نویس شاهنامه

شاهنامه از دستنویس موزهٔ فلورانس (محرّم ۶۱۴)، گزارش ابیات و واژگان دشوار: دکتر عزیزالله جوینی، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱-۴، ۱۳۷۵ - ۱۳۸۴

در کتابخانهٔ موزهٔ فلورانس ایتالیا، دست نویسی در یک جلد به شمارهٔ (Ms.Cl.III.۲۴.(G.F.۳ نگهداری می‌شود که به مدّت بیش از ۲۵۰ سال به نام «از تفسیر قرآن فارسی» شناخته می‌شد. تا این که برای نخستین بار پروفسور آنجلو پیه مونتزه / مونتسه در سال (۱۹۷۶ م) با بررسی آن اعلام کرد که نسخهٔ مذکور مربوط به شاهنامه است و تاریخ کتابت آن محرم سال (۶۱۴ هـ.ق) است. تا پیش از این هنگام کهن‌ترین دست نویسِ شاهنامه، نسخه لندن / بریتانیا (۶۷۵ هـ.ق) دانسته می‌شد. امّا چون تاریخ استنساخ نسخهٔ نوشناختهٔ فلورانس ۶۱ سال مقدّم بر دست نویس لندن بود، طبعاً عنوان قدیمی‌ترین نسخهٔ شاهنامه به آن داده شد.

کتاب
حکیم ابوالقاسم فردوسی
شاهنامه
از
دستنویس موزهٔ فلورانس
محرّم ۶۱۴
گزارش واژگان دشوار و برگردان هر
ابیات بفارسی روان
جلد دوم
بقلم: دکتر عزیزالله جوینی
از: منوچهر شاه تا زو طهماسب

متأسّفانه این دست نویس، کامل نیست و جلد دوم آن فعلاً مفقود است و مجلّد نخست آن نیز شامل آغاز شاهنامه تا پایان پادشاهی کیخسرو است. نسخهٔ فلورانس در تاریخ متن‌شناسی شاهنامه، ماجرا برانگیزترین دست‌نویس حماسهٔ ملّی ایران بوده است. زیرا برخی از شاهنامه‌پژوهان به کرّات در جعلی بودن تاریخ کتابت آن پای فشرده‌اند، امّا با دلایل گوناگونی که معتقدان اصالت دست نویس در مقالات خویش ارائه کرده‌اند (از جمله: ابوالفضل خطیبی، «اصالت کهن‌ترین نسخه شاهنامه (فلورانس ۶۱۴ هجری)» نشر دانش، شماره ۱۰۸، بهار ۸۴، صص ۲۸ ـ ۳۸) به نظر می‌رسد امروز دیگر حداقل تردید در اعتبار متن و ضبطهای این دست نویس روا نباشد و از همین روی است که دکتر خالقی مطلق در چهار دفتر از تصحیح علمی - انتقادی و درخشان از شاهنامه، نسخه فلورانس را با تأکید تمام به عنوان دست نویس اساس برگزیده‌اند.

این نسخه در ایران، اوّلین بار به سال (۱۳۶۹ هـ.ش) به صورت چاپ عکسی / نسخه برگردان (انتشارات دانشگاه تهران و مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی) منتشر شد که بنا بر ویژگی این نوع چاپها کاربرد غالب آن از سوی محقّقان است و علاقه‌مندان و خوانندگانِ عامّ شاهنامه معمولاً به آن راغب نمی‌شوند. با توجّه به این نکته و نیز کیفیّتِ گاهی نامطلوبِ نسخه برگردان این دست‌نویسِ بسیار مهم، دکتر عزیز اللّه جوینی از سال ۱۳۷۵ به بعد چاپ حروفی نسخهٔ فلورانس را تقریباً بدون هیچ تغییری در ضبطهای اصل دست نویس، آغاز کرده‌اند. مبنای این کار، چاپ عکسیِ

موجود نیست و ایشان خود از میکرو فیلم نسخه، عکس تهیّه کرده‌اند. از این روی به کوشش دکتر جوینی متن آسان خوان و تقریباً قابل اعتمادِ کهن‌ترین دست نویس شاهنامه در اختیار علاقه‌مندان و کسانی که امکان استفاده از نسخه برگردان آن را ندارند، قرار گرفته است.

در فاصلهٔ سالهای (۱۳۷۵ - ۱۳۸۴) از این کار - که ظاهراً مجموع آن در پنج مجلّد خواهد بود - چهار جلد منتشر شده که بخشهای مربوط به هر دفتر آن چنین است: جلد اوّل (۱۳۷۵) از آغاز شاهنامه تا پایان پادشاهی فریدون، جلد دوم (۱۳۷۷) از آغاز شهریاری منوچهر تا پایان زوتهماسپ، جلد سوم (۱۳۸۰) از فرمان روایی کیقباد تا پایان داستان رستم و سهراب و جلد چهارم (۱۳۸۴) شامل داستان سیاوش.

پژوهش دکتر جوینی صرفاً چاپ حرفی متن نسخهٔ فلورانس نیست، بلکه ایشان ضبط آن را با متن و نسخه بدلهای شاهنامه، تصحیح دکتر خالقی مطلق و چاپ مسکو مقابله کرده و در موارد لازم اختلاف را در حاشیهٔ صفحات آورده‌اند. افزون بر این، ترجمهٔ عربی‌بنداری از برخی بیتها و نیز گزارش لغات، ترکیبات و ابیات دشوار متن هم در زیر بیتهای متن دست نویس داده شده است و به همین دلیل کار ایشان شرح شاهنامه نیز محسوب می‌شود.

در گذشتهٔ ادبی ایران به دلایل گوناگون و بر خلاف آثاری مانند: خمسهٔ نظامی، مثنوی مولوی و دیوان حافظ گزارش کاملی از شاهنامه وجود ندارد و آغاز جریان/ نهضتِ «شاهنامه گزاری» به معنای شرحِ بیت به بیت حماسه ملّی ایران از بیت آغازین تا پایان آن، بسیار دیرهنگام و مربوط به نیمهٔ دوم دههٔ هفتاد شمسی است که اتّفاقاً مجلّد نخست کار دکتر جوینی (تاریخ مقدّمه: آبان ۷۳، زمان چاپ اوّل: زمستان ۷۵) پیشرو این راه بوده است و چنان که می‌دانیم در پی آن کارهای سودمند دیگری نظیر: نامهٔ باستان (دکتر میر جلال الدین کزّازی) و شرح شاهنامه (خانم مهری بهمن) منتشر شد.

در مقدّمه جلدهای اوّل تا سوم، هر بار محقّق و شارح گرامی به نکته‌ای دربارهٔ فردوسی و شاهنامه اشاره کرده‌اند. مجلّد نخست دارای گزارشی کوتاه از زندگی فردوسی و ملاحظاتی دربارهٔ چاپ عکسی نسخهٔ فلورانس است. در جلد دوم دربارهٔ نام شاهنامه و معنای آن بحث شده و دفتر سوم «سخنی در مذهب فردوسی» دارد که حکیم توس را بر آیین اسماعیلیان دانسته است.

از بخشهای مفید هر چهار جلد این کتاب، بازنویسی داستانهای هر مجلّد به نثر است که به کار عموم علاقه‌مندان و خواستاران شاهنامه می‌آید. فهرستی مهم که از بیتهای مهم‌تر هر جلد - به لحاظ بحث و بررسی بیشتر دربارهٔ آنها - و لغات و ترکیبات متن تنظیم شده برای پژوهشگران و متخصّصان سودمند و راهگشاست.

شاهنامه متنی دشوار و آسان نماست از همین روی در شرح و توضیح ابیات آن، تعدّد و تنوّع آرا از بدیهیّات کار شمرده می‌شود. بر پایهٔ این ویژگی در گزارشهای متن نسخهٔ فلورانس نیز بعضی نکته‌های درخور تأمّل و بحث به نظر می‌رسد که در این جا برای نمونه به سه بیت مشهور اشاره می‌شود.

نباشی بس ایمن به بازوی خویش
خورد گاو نادان ز پهلوی خویش

(ج ۳، ص ۳۶۱، بیت ۲۵۷)

مصراع دوم را ناظر بر جنگ گاوها در روستاهای ایران دانسته‌اند که گاو غالب به هنگام غفلت حریف، ناگهان با شاخ به پهلوی او می‌زند و «گاو نادان» را زخمی می‌کند. پیشنهاد نگارنده این است که «خوردن» با توجّه به شاهدی در شعر امیر معزّی (انوری، حسن: فرهنگ کنایات سخن، انتشارات سخن ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۹) و بیتی از مثنوی که ذکر خواهد شد، در قالب ترکیب کنایی «از پهلوی خود خوردن» - و نه به تنهایی و جداگانه - معنی شود. این نکته از بیت زیر در آن داستان مثنوی که گل خواری دور از چشم عطّار از گل ترازوی او می‌خورد، دقیقاً بر می‌آید. عطّار که پنهانی مشتری را می‌بیند با خود می‌گوید:

گر بدزدی و ز گل من می‌بری
رو که هم از پهلوی خود می‌خوری

(دفتر چهارم، بیت ۶۴۰)

در این جا و نیز بیت معزّی و شاهنامه، «از پهلوی خود خوردن» در مفهوم به خود زیان رساندن و از قِبَل خود ضرر دیدن است و «نادانی» گاو هم ظاهراً براساس یک داستان هندی که از یونان به ایران منتقل شده، همان آسوده چریدن این چارپا و فربه کردن خود برای سور و مهمانی است (مجتبایی، فتح اللّه: داستانهای بودایی در ادبیات فارسی»، سخن، دورهٔ بیست و پنجم، شمارهٔ ۷ و ۸، دی و بهمن ۱۳۵۵، صص ۶۸۳ـ۶۸۸) و بازتابهای دیگری در دیوان ظهیر فاریابی، مثنوی مولوی و نصیحة الملوک غزّالی دارد. صرف نظر از این منشاء داستانی، «گاونادان» را می‌توان استعاره از انسان بی خود و ناآگاه نیز دانست و کلّ مصراع دوم را تعریضی از جانب گردآفرید برای سهراب تلقّی کرد:

تو مانند آن انسان نادانی هستی که با حمله به ایران و رویارویی با پهلوانانش، نهایتاً به خود زیان خواهی رساند و پشیمان خواهی شد.

یکی دخمه کردش ز سمّ ستور

جهانی بزاری همی گشت کور

(۱۰۱۷/۵۱۵/۳)

شارح محترم ضبط «چو سمّ ستور» در یک نسخه را مفهوم‌تر از «ز سمّ ستور» دانسته‌اند و معتقدند استنباط بعضی از فضلا از این بیت مبنی بر ساخته شدن آرامگاه سهراب از سمّ چهارپایان، به سبب اعتقاد آنها بر ترجمهٔ بنداری بوده است. باید خاطر نشان کرد که از نظر متنی، «ز سمّ ستور» ضبط دشوارتر و در نتیجه برتر است، امّا به لحاظ معنایی غیر از عبارت «مِنْ حَوافِرِ الخَیل» در برگردان بنداری، قراینی چون: دفن کردن اسب با مرده در سنّت سکایی، نمونه‌هایی از بناهای ساخته شده از سم و شاخ چهارپایان (بویژه منارهٔ مزار شمس تبریزی در خوی) و معبد آپولو در اساطیر یونان ـ که از شاخ گاو ساخته شده ـ (برای این موارد به ترتیب خالقی مطلق، جلال: «یکی دخمه کردش ز سمّ ستور»، کلک، شمارهٔ ۶۸ ـ ۷۰، آبان ـ دی ۱۳۷۴، صص ۱۷ ـ ۳۱؛ الیاده، میرچا: اسطورهٔ بازگشت جاودانه، ترجمهٔ دکتر بهمن سرکاراتی، نشر قطره ۱۳۷۸، ص ۴۳ حاشیهٔ مترجم) نشان می‌دهد که صورت و معنای نسخهٔ فلورانس درست است و رستم نیز گور پسرش را از سم ستور (اسب) می‌سازد. محتملاً این مصراع به آیین ویژه‌ای اشاره دارد که به رغم پژوهشها و توضیحات بعضی از محقّقان، هنوز کاملاً و دقیقاً روشن نشده است.

اگر زندگانی بود دیریاز

بدین ویر، خرّم بمانم دراز

(۱۱/۱۴۵/۴)

در این بیت «دین خرّم» را در متن فلورانس به «ویر، خرّم» تصحیح قیاسی کرده و برای مصراع دوم چنین معنایی داده‌اند: «... من با این خاطره و تذکار، همواره سالهای دراز شادمان خواهم بود.» این بیت از معدود مواردی است که شارح گرامی در آن متن دست نویس را تغییر داده و با آوردن توضیحی تصحیح کرده‌اند ولی استناد ضبط «دین» بر شش نسخه معتبر دیگر جز از فلورانس (خالقی ۲۰۲/۲/ زیر نویس ۵) اصالت صورت «دین خرّم» را تأیید می‌کند و معنای آن چنان که ایشان پنداشته‌اند هیچ ارتباطی با کیش «خرّم دینان» ندارد، بلکه مراد فردوسی شیوه و سنّت ستودهٔ شاهنامه سرایی و نشاطِ روحیِ برخاسته از آن است (برای تفصیل سرکاراتی، بهمن: «دیر، وین یا دین؟ (تصحیح مجدّد بیتی از شاهنامه»)، سایه‌های شکار شده، نشر قطره ۱۳۷۸، صص ۲۲۵ـ۲۳۵؛ رواقی، علی: «باز هم شاهنامه را چگونه باید خواند؟»، نامهٔ انجمن، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۹ ـ ۳۱)

نگارنده در عین احترام به همهٔ گزارشهای شاهنامه و اذعان به بهره‌گیری از نکات و دقایق آنها، بر این گمان است که هنوز جای شرح جامعی از شاهنامه که با استقصای تامّ و مراجعه به همهٔ کتابها و مقالاتِ مربوط تدوین شده باشد، خالی است.

سجّاد ایدنلو (دانشگاه پیام نور ارومیّه)

۸۵/۱۱/۱

غزلهای سعدی

تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، سخن، ۱۳۸۵، ۸۸۸ ص.

انس و الفت زنده یاد، دکتر غلامحسین یوسفی، با آثار سعدی، او را با شوق تمام به تصحیح انتقادی کلّیات سعدی برانگیخت و او توانست با دقّت قابل تقدیر، بوستان سعدی را بر اساس ۱۰ نسخهٔ خطّی از قرن هشتم هجری، و با استفاده از چاپهای معتبر، شروح و ترجمه‌های بوستان به زبانهای دیگر، تصحیح کند و در سال ۱۳۵۹ (تهران، خوارزمی) منتشر سازد. گلستان سعدی نیز با تصحیح و توضیحات فاضلانهٔ آن مرحوم در سال ۱۳۶۸ (تهران ـ خوارزمی) انتشار یافت، و با تصحیح این دو اثر سعدی به همّت استاد یوسفی، تصحیحات و چاپهای دیگر گلستان و بوستان سعدی، از منظر توجّه و ارج افتادند، و تصحیحات انتقادی آن استاد

بزرگوار، مبنای پژوهشهای سعدی‌شناسی، و مورد ارجاع ادب پژوهان قرار گرفت و تا اکنون، برترین تصحیح انتقادی گلستان و بوستان سعدی، به نام مرحوم یوسفی، ثبت شده است.

دکتر یوسفی پس از چاپ دو اثر مذکور، با جدیّت تمام به تصحیح غزلیات و ترجیعات سعدی پرداخت، امّا از اوایل سال ۱۳۶۸ بیماری سرطان چنگ در وجودش انداخت و دست اجل در سال ۱۳۶۹ او را مقیم خانهٔ خاک ساخت. وی با وجود ناتوانی ناشی از بیماری، تصحیح غزلیات سعدی را پی گرفت و به تصحیح ۴۱۸ غزل، توفیق یافت، که گزارش آن به قلم دکتر پرویز اتابکی در مقدّمهٔ غزلهای سعدی (صص پانزده ـ نوزده) آمده است. دکتر یوسفی در تصحیح غزلیات سعدی، هفده نسخهٔ خطّی کتابت شده در سده‌های هفتم و هشتم هجری را مورد استفاده و مراجعه قرار داده، و از لحاظ قدمت، به نسخهٔ آل (نسخهٔ خطّی کلیات سعدی در ماربورگ آلمان، به خطّ فخر بناکتی در ۷۰۶ هـ.ق) و از لحاظ کمیّت و توالی غزلها، به نسخهٔ آ (نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، کتابت شده در ۷۶۶ هـ.ق، شامل ۷۳۷ غزل) توجّه و اعتماد داشته است. از آنجا که مرحوم یوسفی به تصحیح تمام غزلهای سعدی توفیق نیافته، دکتر پرویز اتابکی که در مقابلهٔ نسخه‌ها تا غزل ۳۱۷ با آن استاد فاضل مشارکت داشته، و «با دستمایهٔ استفاضت از محضر پر فیض و برکت او» کار تصحیح بقیهٔ غزلیات را دنبال کرده و بر همان شیوه‌ای که استاد یوسفی غزلیات را تصحیح می‌نموده، کار تصحیح غزلیات را پی گرفته و به انجام رسانده است.

مرحوم یوسفی بر آن بوده است که در مقدّمهٔ خود، گفتاری با عنوان «دربارهٔ سعدی و لطف سخن او» بنویسد، امّا اجل این فرصت را از او گرفته، و مقاله‌ای ارزشمند از او دربارهٔ غزلیات سعدی، که در کتاب چشمهٔ روشن چاپ شده، جایگزین گفتار نانوشتهٔ آن مرحوم شده و در مقدّمهٔ غزلهای سعدی (صص سی و هفت ـ چهل و هفت) آمده است. متأسّفانه آن استاد مرحوم، مهلت نیافته است تا چونان توضیحات گلستان و بوستان، تعلیقات و توضیحاتی بر غزلهای سعدی فراهم آورد.

ترتیب مطالب غزلهای سعدی عبارتند از: منّت خدای را عزّ و جلّ [سخن، خانوادهٔ دکتر غلامحسین یوسفی]، توضیحی در مورد این چاپ از غزلهای سعدی: به قلم پرویز اتابکی، مقدّمه: به قلم دکتر غلامحسین یوسفی، که هنوز من نبودم، که تو در دلم نشستی: به قلم دکتر غلامحسین یوسفی، متن غزلیات (کتاب الطیّبات، بدایع، خواتیم، ترجیعات، غزلهای الحاقی)، شرح نسخه بدلها، خدمت اشعار (به ترتیب حروف اوّل)، فهرست اشعار (به ترتیب حروف قافیه) و کشف الابیات.

مهسا سفّاری

فهرست نسخه‌های خطّی مکتبة الزهراء (اصفهان- ایران)

تالیف آیة الله حاج احمد فقیه امامی با مقدمه و تصحیح سیّد صادق حسینی اشکوری. نشر مجمع ذخائر اسلامی ـ قم تاریخ نشر ۱۳۸۵.

فهرست نسخه‌های خطّی مکتبة الزهرای اصفهان که به دست مرحوم آیة الله امامی صورت گرفته است، به معرفی ۲۵۷ نسخه خطّی می‌پردازد. آقای سید صادق حسینی اشکوری در مقدمه کوتاه خود بر این کتاب اذعان دارد که این فهرست کاستی هایی دارد و علت آن نیز این است که فهرست برای استفاده در کتابخانه و مراجعات شخصی فراهم آمده بوده است و با مختصر تغییرات آقای اشکوری به صورت کنونی در آمده است. اما آنچه جای آن واقعاً در مقدمه خالی است توضیحاتی است دربارهٔ خود مکتبة الزهرا که کمترین اشارتی به آن نیست.

قطع نظر از اهمیّت انتشار فهرست نسخه‌های خطّی و ارج نهادن به دست اندر کاران این امر باید گفت کیفیت معرفی نسخه‌های خطّی نیز اگر اهمیّت بیشتری نداشته باشد، هیچ کم ندارد.

کاستی‌های فهرست حاضر (که می‌باید به نحوی مرتفع می‌شد) گاه چنان است که فهرست را از معرفی صحیح

نسخه‌ها دور کرده است. مثلاً نسخه شمارهٔ ۱۷۰ که کتاب حاشیة الجلبی است صرف نظر از ناشناخته ماندن مؤلّف، «موضوع» آن نیز معین نشده و توضیحات نسخه‌شناسی نیز در حد ذکر تعداد اوراق و سطر و اندازه است و دیگر هیچ.

نارسایی فهرست غالباً در توضیحات نسخه‌شناسی است که گاه قلم کتابت هم ناگفته مانده است. مثلاً در نسخهٔ شمارهٔ ۶۵ که مجموعه مواعظ فارسی است و گاه تعداد اوراق نیامده است نیز برای آن دسته از نسخ که تاریخ کتابت نداشته‌اند تاریخی ولو بتقریب تخمین زده نشده است. مثلاً نسخهٔ شمارهٔ ۳۳ که دیوان حافظ است باید به هر روی معین می‌شد متعلق یا نزدیک به چه سده‌ای است که اهمیت این کار بر کسی پوشیده نیست. اگرچه گاه آغاز و انجام پاره‌ای از نسخه‌ها آورده شده است اما در سراسر کتاب هستند.

نسخه‌هایی که بدون ذکر آغاز و انجام اند مخصوصاً آن جا که نسخه نسبتاً کهن است و مؤلّف آن نیز ناشناخته چنان که نسخهٔ شمارهٔ ۱۴۱ که کتاب حاشیهٔ شرح الاشارات است و مورخ ۷۵۶ که از کهن‌ترین نسخه‌های این کتابخانه نیز هست.

یاد نکردن منابع کتابشناسی از دیگر کاستی هایی است که زود به چشم می‌آید. به هر حال غالب کتاب‌های مکتبةالزهرا در باب فقه و حدیث و اعتقادات است که قدمت یک دوی آنها به سدهٔ هشتم می‌رسد.

فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانهٔ مدرسهٔ معمارباشی (تهران - ایران)

نگارش سید محمد حسین حکیم، نشر مجمع ذخائر اسلامی ـ قم
تاریخ نشر: ۱۳۸۵

حاج ابوالحسن اصفهانی مشهور به میرزا ابوالحسن خان معمارباشی، بانی مدرسهٔ علمیهٔ معمارباشی که نشانی کنونی آن، تهران، خیابان پانزده خرداد، چهار راه مصطفی حسینی، کوچه امامزاده یحیی است، واقف ۶۵۲ جلد کتاب بر کافه مؤمنین بخصوص طلاب مدرسه معمارباشی بوده است که متأسفانه از این مقدار هم اکنون تنها ۱۰۸ کتاب خطی (یا چاپ سنگی) بر جای مانده است و غالب آنها از همان موقوفات معمارباشی است. بیشترینه کتاب‌ها چنان که معهود مدارس علمیه است کتب فقه و اصول و کلام شیعه است و باقی کتب ادبی و منطقی و فلسفی و دیگر علوم وابسته به علوم خود وی است. قدمت یک دو نسخه از این کتابخانه به سدهٔ هشتم می‌رسد و باقی عموماً در سده‌های یازدهم تا سیزدهم است. فهرست نگار چنان که در مقدمه آورده شیوه مختصر استاد سید احمد حسینی اشکوری را در فهرست کردن اتخاذ کرده و جز برخی کتاب‌های کم نسخه در معرفی کتاب‌ها به منابع ارجاع داده است.

در میان این فهرست به یک دو کتاب چاپ سنگی بر می‌خوریم که نکوتر بود ذیل عنوان مجزائی فهرست می‌شدند و نیز فهرست نگار در توضیح نسخه‌شناسی چند کتاب، تاریخی ولو بتقریب برای نسخه متصور نشده است.

فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانه افشین عاطفی (کاشان - ایران)

نگارش سید صادق حسینی اشکوری، نشر مجمع ذخائر اسلامی قم، ۱۳۸۵ ش.

در این فهرست به معرفی ۱۳۸ نسخه خطّی کتابخانه شخصی افشین عاطفی پرداخته شده است. ظاهراً تعداد دیگری از نسخه‌های این کتابخانه بر دست حجة الاسلام طیار مراغه‌ای فهرست شده و تا زمان انتشار فهرست حاضر چاپ نشده است. فهرست نگار در مقدمهٔ خویش، نسخه‌های کتابخانهٔ عاطفی را از حیث وجود مجموعه‌های محلی و دست نوشت مؤلفان و شعرا در خور توجه می‌داند. قدمت نسخه‌های معرفی شده از سدهٔ نهم یا دهم پیشتر نیست و آنچه بیش از همه به چشم می‌خورد، نسخه‌های فقهی، جنگ‌ها و بیاض هاست. در مطاوی کتاب گهگاه تصاویری از نسخه‌ها داده شده است و مؤلف چند رساله یا کتاب نیز ناشناخته مانده است. نسخهٔ شمارهٔ ۸۲ این

کتابخانه الصحیفة السجادیه است به روایت ابوعلی حسن بن محمد بن اسماعیل بن اشناس بزار که نسبت به نسخه‌های صحیفه کم نسخه‌تر است و از این روی حائز اهمیّت است. نسخه شماره ۱۳۵ این کتابخانه قرآنی مترجم است به فارسی کهن از سدهٔ نهم یا دهم که تصویر دو صفحه از این نسخه آورده شده است و فهرست نگار هیچ اشاره‌ای به کهنگی ترجمه‌های فارسی آن نکرده است.

مجموعه اسناد کتابخانه افشین عاطفی (کاشان - ایران) دفتر اوّل

بکوشش: سید صادق حسینی اشکوری ، نشر مجمع ذخائر اسلامی ، قم: ۱۳۸۵

کتاب مجموعه اسناد کتابخانهٔ افشین عاطفی از مجموعه اسنادی است که به صورت عکسی به همّت نشر مجمع ذخائر و آقای سید صادق اشکوری فراهم آمده است. این اسناد مربوط به یکصد و پنجاه سال گذشته است که هر یک به نحوی به شهر تاریخی کاشان ارتباط می‌یابد.

دفتر اوّل این مجموعه در سه بخش تنظیم شده است که بخش اوّل اسناد حکومتی و سیاسی را در بر دارد و در این میان نامهٔ امین‌الدوله (صدراعظم) به مظفرالدین شاه و جواب شاه در حاشیهٔ نامه به چشم می‌خورد. نیز دست خط مظفرالدین شاه به امین الدوله و باز صورت حساب سفر فرنگستان و تعهداتی بین ایران ، فرانسه و انگلستان و جز آن. مجموعه اسناد این بخش ۸۲ سند است.

بخش دوم شامل نامه‌ها و مراسلات است که نامه‌های گوناگونی را از تجار کاشانی تا علمای آن دیار در بر دارد، اما در این بخش به نامه هایی بر می‌خوریم که سزاوارتر بود در بخش نخست کتاب آورده می‌شد نظیر نامه ۹۴ که بر دست چاپار دولتی مستعجلاً ارسال داشته است. مجموعه اسناد این بخش ۷۷ سند است.

بخش سوم شامل اسناد متفرقه است که اسناد مختلفی را از مقاطعه کاری معمار طهرانی تا اشعار ملا محمد جعفر ادیب کاشانی به خط خویش، در بر دارد و آنچه در این بخش بیشتر به چشم می‌آید اشعار مختلف است که می‌توانست خود بخش مجزائی در کتاب داشته باشد مجموعه اسناد این بخش ۵۸ سند است.

چیزی که باید در ارزیابی این کتاب گفت این که در بخش بندی اسناد شتاب زدگی‌ای دیده می‌شود که شاید سرعت در نشر اسناد موجب آن بوده است چنان که چه در این کتاب و چه در جلد دوم همین مجموعه هیچکدام از صفحات شماره ندارد و این به وجاهت کتاب لطمه وارد می‌کند.

مجموعه اسناد کتابخانه افشین عاطفی (کاشان - ایران)

به کوشش: سید صادق حسینی اشکوری ، نشر مجمع ذخائر اسلامی ، قم: ۱۳۸۵

این کتاب دفتر دوم از مجموعه کتب و اسناد کتابخانه افشین عاطفی است که به صورت عکسی به جهت نشر مجمع ذخائر توسط آقای سید صادق اشکوری مهیا شده است. آقای سید صادق حسینی اشکوری این اسناد را به سه عنوان تقسیم کرده‌اند که شامل: اسناد شرعی، استفتائات و

اسناد هنری است. اسناد شرعی که بخش اوّل کتاب است مشتمل بر ۱۳۰ قطعه سند منتخب است در بر دارندهٔ انواع قباله نامه، صلح نامه، بیع نامه، اجاره نامه، شراکت نامه، استشهادیه، وقف‌نامه، وکالت نامه، اقرار نامه و دیگر اسناد شرعی است. تطیر کارشناسی قیمت منزل یا کارشناسی نسبت به دیوار مشترک و جز این است که هر یک در نوع خود حائز اهمیّت است. اما آنچه باید در همین جا بیفزایم این است که فاضل ارجمند جناب سید صادق اشکوری گاه در تعیین سند دچار اشتباه شده‌اند یا اینکه این امر از لغزش‌های مطبعی است. به هر حال سند شمارهٔ ۵۱ که وضوح نسبتاً خوبی هم دارد آشکارا یک وقف نامه است که در پای صفحه به اشتباه صلح نامه ضبط شده است.

استفتائات که بخش دوم کتاب است حاوی ۴۳ سند از استفتائات گونه گونی است که عموماً طبقهٔ عام اجتماع از مراجع و فقهایی چون آیت اللّه سید محمدحسین رضوی کاشانی یا ملا محمدحسین نطنزی و جز آن کرده‌اند که خود قطعات آئینه‌هایی است که گوشه‌هایی از مناسبات اجتماعی سدهٔ سیزدهم و چهاردهم را باز می‌نماید. چنان که در میان این استفتائات به استفتائی در باب استیجار طفل صغیری برای تعزیه خوانی بدون اجازهٔ ولی مواجه می‌شویم یا استفتاء در اجبار حوض سازی بر زید تا حوض دیگران مشروب شود و جز آن اسناد هنری که بخش سوم کتاب را در بر دارد مشتمل است بر ۴۴ سند خوش نویسی که غالباً به قلم شکسته است از کسانی چون عبدالمجید شکسته‌نویس یا علی بن احمد رضوی کاشانی و جز آن. و نیز قطعاتی به قلم نسخ و ندرتاً نستعلیق که با ایجاز هرچه تمامتر در پای صفحات معرفی شده‌اند.

مهدی علیائی مقدم

نامه‌های تاجران، منتخبی از اسناد کتابخانه میرزا محمد کاظمینی (یزد - ایران)

به اهتمام سید صادق حسینی اشکوری، مقدمه به زبان فرانسه: دکتر یحیی علوی، نشر مجمع ذخائر اسلامی ـ قم ۱۳۸۵.

کتاب نامه‌های تاجران دربردارنده منتخبی از تصاویر نامه‌های تجار در سدهٔ چهاردهم هجری قمری است که متعلق به مجموعه اسناد آقای میرزا محمد کاظمینی است. میرزا محمد کاظمینی از مدیران اجرائی استان یزد و از علاقمندان و صاحبان نسخه‌های خطّی و اسناد و گنجینه‌های کهن هستند. چنان که آقای حسینی اشکوری

در مقدمه خود ذکر می‌کنند در مجموعه اسناد آقای کاظمینی فرامین پادشاهی و اسناد سیاسی نیز ظاهراً وجود دارد همچنان که صلح‌نامه‌ها و وقف‌نامه و نکاح‌نامه‌ها و منشات و یادداشت‌های پراکنده که امیدواریم این قبیل اسناد نیز هرچه زودتر منتشر شود. در اهمیّت انتشار اسنادی از این دست گمان نمی‌کنم نیازی به احتجاج باشد و به این اکتفا می‌کنم که اولین استفاده این نوع اسناد قطع نظر از اهمیّت آنها در باب اسناد و نسخ خطّی در مطالعات تاریخی مخصوصاً تاریخ اجتماعی است.

در این کتاب علاوه بر نامه‌ها تصاویری نیز از پاکت نامه‌ها ارائه شده است که به جا و مغتنم است و کیفیت عکس‌ها نیز نسبتاً مطلوب است. کتاب با ضمیمه فرانسوی به قلم دکتر یحیی علوی پایان می‌یابد.

Beate Wiesmu□ller, edition and kommentar, Ge to□teten:At-Talabis Qatla L-Quran nach der Istanbuler und den Leidener Handschrifter (Ergonverlag 2002), pp. 188.

ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی (متوفی ۴۲۷ هـ / ۱۰۳۵م)، قتلی القرآن، تصحیح و تحقیق بآته و یسمولر (انتشارات ارگون ۲۰۰۲)، ۱۸۸ ص (متن عربی ۱۲۴ـ۱۵۷).

بحث سماع و حکم فقهی آن، یکی از مباحث مورد توجه صوفیان قرون میانه بوده و در آثار کهن جامع صوفیانه چون اللمع ابو نصر سراج، شرح تعرف کلاباذی، تهذیب الاسرار خرگوشی (متوفی ۴۰۷) و رسالهٔ قشیریه توجیهات فراوانی در باب حلیت آن آمده است و یکی از مطالب مورد استناد مدافعان حلیت سماع، احادیث وارده بر قرائت خوش قرآن

است و از اینجاست که گردآوری حکایاتی دربارهٔ سماع قرآن یکی از موضوعات جالب توجه نویسندگان قرون میانه بوده است. هرچند کارکرد کلامی این گونه آثار را نیز نباید از نظر دور داشت. یکی از این گونه آثار کتاب قتلی القرآن ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی (متوفی ۴۲۷ ق)، مؤلف تفسیر بسیار مشهور الکشف و البیان فی تفسیر القرآن است.

کهن‌ترین گزارش دربارهٔ ثعلبی، نوشتهٔ عالم نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (متوفی ۵۲۹ ق) است که در کتاب السیاق شرح حال ثعلبی را آورده است. ابوالحسن فارسی در اشاره به آثار ثعلبی می‌نویسد: «صاحب التصانیف الجلیلة من التفسیر الحاوی لأنواع الفوائد من المعانی و الاشارات و کلمات ارباب الحقائق و وجوه الاعراب و القراءات ثم کتاب [العرائیس] والقصص و غیر ذلک مما لا یحتاج الی ذکره لشهوته.»

یکی از آثار کمتر شناخته شدهٔ ثعلبی، اثری کوتاه به نام قتلی القرآن است که نویسندگانی چون احمد بن محمد بن زید طوسی مؤلف الستین الجامع للطائف البساتین؛ موفق‌الدین عبدالله بن احمد مشهور به ابن قدامه مقدسی (متوفی ۶۲۰ ق) در کتاب التوابین و ابن حجر عقلانی (متوفی ۸۵۲ ق) در المعجم المفهرس از این کتاب مطالبی نقل کرده یا به نام آن اشاره کرده‌اند. متن این کتاب را خانم بآته ویسمولر بر اساس سه نسخهٔ خطّی موجود آن یعنی (۳)۶۵ ایا صوفیه و دو نسخه لیدن ( ) ۵۲۰ . Or , (۲) ۹۹۸ Or. به شیوه‌ای عالمانه همراه با مقدمه‌ای مفصل دربارهٔ زندگی ثعلبی منتشر کرده است. یکی از مطالبی که خانم ویمولر دربارهٔ آن توضیح چندانی نیاورده‌اند، منابع ثعلبی در تألیف کتاب خود است که شاید علت آن کوتاهی متن باشد. در هر حال با مقایسهٔ میان برخی از حکایات ثعلبی در این کتاب با تهذیب الاسرار خرگوشی می‌توان گفت که ثعلبی برخی مطالب خود را از تهذیب الاسرار خرگوشی یا منبعی مشترک اخذ کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دربارهٔ زندگی و آثار ثعلبی، ر.ک:
Walid A Saleh, The Formation of the classical Tafsir Tradition: The Quran Commentary of al-Thalabi (Brill ۲۰۰۴)

۲. المنتخب من السیاق، ص ۱۰۹.

۳. احمد بن محمد بن زید طوسی، قصهٔ یوسف (الستین الجامع للطائف البساتین، تحقیق محمد روشن (تهران ۱۳۶۷)، ص ۱۳ ـ ۱۵ = قتلی القرآن، ص ۱۳۶ ـ ۱۳۷.

۴. عبدالله بن احمد المقدسی، کتاب التوابین، تحقیق جورج المقدسی (دمشق، ۱۹۶۱)، ص ۲۰۰، ۲۵۷ ـ ۲۵۸ (بدون اشاره به نام کتاب).

۵. ابن حجر عقلانی، المعجم المفهرس او تجرید اسانید الکتب المشهوره و الاجزاء المنثوره تحقیق محمد شکور محمود الحاجی امریرالمیادینی (بیروت ۱۴۱۸ / ۱۹۹۸)، ص ۱۱۲.

۶. قتلی القرآن، ص ۱۲۸ ـ ۱۲۹ = صورت دیگر این داستان در تهذیب الاسرار، ص ۳۳۸؛ قتلی القرآن، ص =۱۳۱ تهذیب الاسرار، ص ۳۴۲؛ قتلی القرآن، ص ۱۴۲ ـ ۱۴۳ = تهذیب الاسرار، ص ۳۳۹؛ قتلی القرآن، ص ۱۵۶ ـ ۱۵۷ = مشابه آن در تهذیب الاسرار، ص ۳۲۸ و ۳۴۰.

محمد کاظم رحمتی

کتب التراث بین الحوادث و الانبعاث

حکمت بشرین یاسین، دار ابن الحوزی، عربستان، ۱۴۲۴ ق، ۳۱۰ ص، وزیری.

اهمیّت پژوهش‌های کاربردی تراث پژوهی بر دانشیان کاردان پوشیده نیست. پرداختن به چنین تحقیقاتی از ضروریات پژوهش در حوزه میراث‌شناسی به حساب می‌آید. از گذشته تاکنون، میراث پژوهان اسلامی با سعی وافری که در شناساندن و بازتاباندن آثار پیشینیان خود داشته‌اند، خواسته و ناخواسته، نتوانسته‌اند همگی میراث اسلامی را به نحو تمام گزارش کنند. از این رو، با کاستی‌هایی در آثارشان مواجه می‌شویم که جبران آن برای ماندگاری آثار و حفظ میراث پیشین لازم است. افزون بر این، به دلیل فقدان شیوه‌های کارآمد بازیابی و احیای میراث، هنوز آگاهی دقیقی از نوع و کم و کیف داده‌های تراثی نداریم و بخش‌هایی از میراث اسلامی در لابه‌لای همین آثار موجود به گوشه‌ای خزیده و از دید ما دور مانده است. به همین جهت، بازنگری جدی و بررسی همه جانبه میراث اسلامی با شیوه‌های کاربردی، امری ضروری و حیاتی به شمار می‌آید. اهمیّت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که در پژوهش‌های نوآمد تراث‌شناسی روشن شود برخی از آثاری که تاکنون مفقود، گمنان و ناقص پنداشته می‌شدند، متن کامل یا بخش عمده‌ای از آنها در میان همین آثاری است که از گذشته تا به امروز با آنها سرو کار داشته‌ایم، ولی به سبب عدم توجه و یا نبود روش‌های کارآمد در شناسایی و گردآوری، پندار مفقود بودن آنها را با خود داشته‌ایم و عنوان «ناپیدا» یا «مفقود» بر آنها نهاده‌ایم.

کتاب التراث بین الحوادث و الانبعاث پژوهشی است که با التفات به این خلأ در شناخت و احیای میراث اسلامی، به هدف بر طرف نمودن آن سامان یافته است. مؤلّف این کتاب سعی در ارائه قواعد کاربردی کشف و بازیابی آثاری را

دارد که تاکنون به علل مختلف سخت‌افزاری و یا نرم‌افزاری به دست نیامده یا در موارد قابل دسترس، متن موجود آنها دارای مشکلاتی از جمله کاستی و مشکلاتی همانند آن بوده است. به همین خاطر، نویسندهٔ کتاب نخست آسیب‌شناسی نسبتاً جامعی از داستان میراث اسلامی از آغاز تاکنون، علل و عوامل آن انجام داده و سپس بر اساس آن روش‌های بازیابی را مطرح کرده است. به نظر نگارنده، این کتاب در حوزهٔ تراث‌پژوهی از آثار کاربردی است و در زمینه شیوه‌های بازیابی میراث مفقود اسلامی دارای ویژگی‌های قابل توجهی است، به ویژه آنکه نویسنده آن شخصیتی کاردان و با تجربه در عرصهٔ تراث پژوهی عربی - اسلامی دورهٔ معاصر به شمار می‌آید و توانمندی‌های خود را در تهیه استدراکات علی تاریخ التراث العربی استاد فؤاد سزگین به خوبی نشان داده است؛ به طوری که به پاس پژوهش‌های تراث‌شناسی، شایسته دریافت جایزه ملّی در کشور عربستان شد.

آینهٔ پژوهش، شماره ۱۰۱، علی راد

۱. تکملة الاصناف (۲ج)
(علی بن محمّد بن سعید الادیب الکرمینی

به کوشش دکتر علی رواقی با همکاری سیّده زلیخا عظیمی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: تهران، ۱۳۸۵.

تکملة الأصناف

فرهنگ عربی فارسی (سدهٔ ششم هجری)

مجلد اول

علی بن محمّد بن سعید الادیب الکرمینی

به کوشش: علی رواقی

با همکاری: سیّده زلیخا عظیمی

نزدیک به نیم قرن از روزگاری که استاد علینقی منزوی فرهنگنامه‌های عربی به فارسی را نوشت می‌گذرد و از آن روزگار تاکنون برخی لغتنامه‌های معرّفی شده در اثر مذکور انتشار یافته، امّا مقایسه‌ای ابتدایی میان آثار معرّفی شده در

این کتاب با آنچه در این سالیان منتشر شده نشان می‌دهد که نسبت کار انجام شده با آنچه که لازم بود انجام شود آنچنان رضایت بخش نیست و البته این مقایسه تنها میان آثاری است که تا آن روزگار شناخته شده و نسخه هایی از آن در دست بود. حال اگر آثاری را که در این مدّت شناخته شده بر این شمار بیفزائیم خواهیم دید که روند انتشار این آثار چندان درخشان و قابل توجّه نیست و این در حالی است که از همان سالیان، لزوم انتشار چنین آثاری بر دانشیان این مرز و بوم روشن و مبرهن بود.

از میان آثار تازه یافته پس از انتشار اثر فوق الذّکر یکی هم فرهنگنامهٔ عربی به فارسی تکملةالاصناف اثر علی بن محمّد بن سعید الادیب الکرمینی (از نویسندگان گمنام سدهٔ ششم هجری) است که دستنویس منحصر بفرد آن چند سال پیش نصیب کتابخانهٔ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (موسوم به گنج بخش) شد و از همان آغاز روشن گشت که این دستنویس گنجینه‌ای از واژگان و ترکیبات فارسی را در خود پنهان دارد. اشتمال اثر بر نزدیک به ۲۰۰۰۰ واژهٔ عربی با معادل‌های فارسی آن نشانگر جایگاه ویژهٔ این فرهنگ در میان آثار مشابه است، چنانکه می‌توان آن را مبسوطترین فرهنگ عربی - فارسی شناخته شدهٔ آن دوره محسوب کرد؛ ضمن اینکه این اثر اختصاص به واژگان دارای ساختار اسمی دارد و این در حالی است که در بیشتر فرهنگنامه‌های این دوره به مبحث فعل (بر پایهٔ مصادر) پرداخته شده است.

از جمله اختصاصات متن ساختار ترجمه گونهٔ آن است و اندکی تدقیق در عبارات فارسی نشان می‌دهد که مؤلّف در کار خود از فرهنگ‌های تازی (شاید یکی دو مورد خاص) بهره گرفته و کارش در اکثر موارد به ترجمه شبیه است؛ منتها در این مورد باید توجّه داشت که وی در کار خود مقیّد است تا جایی که می‌تواند از معادل‌های فارسی استفاده کند و گاه در این کار از ساختن ترکیب نیز رویگردان نیست. البته لازم است این را هم بیفزایم که استفادهٔ مؤلّف از بسیاری ترکیبات به گونه‌ای است که گویا این ترکیبات در حوزهٔ زبانی و زمانی وی شناخته است و به همین دلیل هم هست که به ذکر ترکیبات بسنده می‌کند و تشریحی در مورد آنها نمی‌آورد. این امر می‌تواند نشان از وجود پیشینه‌هایی در تألیف آثاری از این دست در محدودهٔ مورد نظر باشد.

با توجّه به دلایلی اینچنینی مسئولان مرکز تحقیقات فارسی تصمیم به انتشار دستنویس به صورت نسخه برگردان (عکسی) گرفتند که این تصمیم در سال ۱۳۶۳ خورشیدی محقّق شد و زمینهٔ استفادهٔ پژوهشگران از آن فراهم گشت. پس از آن شاهد انتشار چند مقاله راجع به این اثر و اخیراً (زمستان ۱۳۸۵) نیز شاهد انتشار تمامی متن به تصحیح دکتر علی رواقی با همکاری سیّده زلیخا عظیمی بودیم.

چنانکه مصحّح در دیباچهٔ خود بر چاپ متذکّر شده، متن علاوه بر اشتمال بر واژگان کهن دارای شمار زیادی واژه با کاربردهای ویژه و گاه واژگانی ناشناخته است که به عقیدهٔ مصحّح برخی از آنها مربوط به حوزهٔ زبانی مؤلّف است. کرمینی ذیل هر واژه، آیه، حدیث، بیت یا عبارتی عربی را به شاهد آورده و کاربردهای خاص واژگان را در آنها نشان داده است. همچنین در موارد لزوم به ذکر صورت جمع هر مدخل پرداخته و مشخّص است که تحقیق در متنی با این ساختار و شمار واژگانی تا چه حد دشوار و طاقت فرسا است.

متن در دو مجلّد به چاپ رسیده. مجلّد اوّل شامل دیباچهٔ مصحّحان، متن فرهنگنامه و یادداشت‌های مربوط به تصحیحات متن؛ و مجلّد دوم شامل نمایه‌های کتاب است. این نمایه‌ها مواردی چون نمایهٔ واژگان فارسی (که از اهداف اصلی بررسی اینگونه متون محسوب می‌شود)، نمایهٔ واژگان عربی، نمایهٔ آیات، احادیث، امثال و حکم، اشعار عربی (به ترتیب صفحه و ترتیب الفبایی) را در بر می‌گیرد. در ادامهٔ این مجلّد تعلیقات اشعار، یادداشت‌های دکتر سعید واعظ و کتابنامه آمده است.

از جمله کارهای سودمندی که در بخش نمایه‌ها انجام شده، درج مجدّد معادل عربی واژگان در مقابل واژگان فارسی و ارجاع به موضع آن در متن است که در کارهای مشابه کمتر دیده شده در حالی که معمولاً نیاز هست که با مشاهدهٔ واژهٔ فارسی معادل عربی آن نیز دانسته شود و در صورت لزوم به متن اصلی رجوع شود.

از دیگر کارهای هوشمندانه در تدوین نمایه‌ها توجه به شکل‌های گوناگون واژگان، تعبیرات و ترکیبات است. به عبارتی تنها به ارائهٔ شکل مذکور در متن اکتفا نشده و با استخراج واژگان کلیدی، شکل‌های گوناگونی که ممکن است در جستجوی واژگان سودمند واقع شود ذکر شده و چنانکه گفتیم در کارهای مشابه معمولاً نسبت به آن غفلت شده است. استخراج مآخذ اشعار و در صورت لزوم مقابلهٔ صورت مذکور در این متن با دواوین و مآخذ مذکور کار سودمند دیگری است که در این مورد انجام شده.

بر خلاف دیگر آثار منتشرهٔ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که استفاده از فونت درشت در حروفچینی به افزودن بیهودهٔ حجم متن می‌انجامد در این کار باید آن را از محاسن چاپ شمرد؛ بخصوص که کتاب در بیشتر مواضع نیاز به اعراب گذاری داشته و استفاده از این حروف درشت به خوانایی متن کمک می‌کند.

پس از انتشار فهرست توصیفی مقالات جشن نامه‌ها و یادنامه‌ها این کتاب را می‌توان دومین اثر پایه و سودمند در کارنامهٔ انتشاراتی انجمن در سال ۱۳۸۵ محسوب کرد.

۲. دیوان فرید اصفهانی (اسفراینی)

به اهتمام دکتر محسن کیانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ (انتشار ۱۳۸۵).

شاید یکی از مهم‌ترین معیارهایی که در معروفیت یا ناشناس ماندن شعرا و نویسندگان ادوار پیشین در اذهان معاصران مؤثّر واقع شده اهتمام نسل اوّل و دوم از اساتید معاصر به تصحیح و نشر آثار گذشتگان بوده است و انصافاً باید گفت که این اساتید در اکثر موارد تشخیص و سلیقهٔ بسیار خوبی در انتخاب آثار داشته‌اند. به همین دلیل هم هست که امروز می‌بینیم اکثر متون طراز اوّل زبان فارسی لااقل یک چاپ حرفی دارد که در این میان تعداد قابل توجّهی به تصحیح انتقادی نیز رسیده و در جرگهٔ کارهای خوب محسوب می‌شود.

با این وجود هنوز هم هستند شعرا و نویسندگانی که آثار جالب توجّهی از خود به جای گذاشته‌اند، امّا محصول اندیشه شان جامهٔ طبع به خود ندیده. از جملهٔ این آثار یکی هم دیوان فرید اصفهانی (فرید احول) است که اخیراً به اهتمام دکتر محسن کیانی تصحیح شده و از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به چاپ رسیده است.

فرید از جمله شعرای خوب سدهٔ هفتم و هم روزگار با سرایندگان نام آوری چون سعدی، سیف فرغانی و مجد همگر بوده و البته از نظر سنّی اندکی بر اینان متقدّم است. وی همچون سعدی از ستایشگران اتابکان فارس بود، ولی چنانکه مصحّح نیز در دیباچهٔ کتاب متذکّر شده در آثار هیچکدام از این دو شاعر اشاره‌ای به دیگری دیده نمی‌شود.

از اختصاصات سبک فرید، استقبال و نظیره گویی است و در دیوان او نمونه‌های فراوانی یافت می‌شود که شعری را به استقبال یکی از اشعار سرایندگان پیش از خود سروده است. علاقهٔ وی به این شیوه می‌تواند نشانه‌ای باشد از این امر که وی در کار خود صاحب سبک نیست و حقیقتاً هم همینطور است، امّا باید پذیرفت که سلیقهٔ او در انتخاب آثار دیگران برای نظیره‌گویی سلیقهٔ خوبی است و از این منظر در بسیاری موارد اشعاری را بر گزیده که از نظر وزن یا مضمون از بهترین نمونه‌های شعر فارسی محسوب می‌شوند و این نشانگر تتبّع عمیق فرید در آثار شعرای پیش از خود است.

این نکته را همچنین می‌توان از مضامین و تعبیراتی که شاعر در اشعارش به کار برده دریافت. وی در کارش خلّاق نیست و بخش عمده‌ای از مضامین و تعبیراتی که در سروده‌هایش استفاده کرده برگرفته از دیگران است، امّا همین مضامین و تعبیرات به نوعی گلچینی از مضامین آثار قدما محسوب می‌شود و اگر خوب توجّه کنیم خواهیم دید که کلید فهم آثار بسیاری از شعرای متقدّم در شعر فرید یافت می‌شود.

از دیگر اختصاصات شعر فرید گرایش او به صنایع شعری است. این امر موجب شده که آثار او تا حدود زیادی شکل مصنوع به خود گیرد. به عقیدهٔ نگارنده مصنوع گویی آنچنان که در مورد آن اغراق شده از ضعف‌های شاعری محسوب نمی‌شود و حتّی از یک دیدگاه می‌توان این شیوه را به عنوان سبکی جداگانه در شعر فارسی مورد بررسی قرار داد چرا که شاعر در این شیوه از روال طبیعی سخن خارج شده و سروده‌اش بیشتر از اندیشه سرچشمه می‌گیرد تا احساس و الهام؛ در نتیجه بسیاری خصائص زبانی و فرهنگی که به صورت ناخودآگاه در شعر دیگران وارد می‌شود در آثار پیروان این شیوه دیده نمی‌شود. برعکس بسیاری سنّت‌های شعری قدما در این آثار دیده می‌شود که در آثار دیگران نیست.

چنانکه مصحّح در دیباچهٔ چاپ اشاره کرده تاکنون نسخهٔ کاملی از دیوان فرید یافت نشده و آنچه از وی در دست است تنها گزیده هایی از شعر اوست که نسخه‌های آن نیز از نظر شمار ابیات با یکدیگر همسانی ندارد. این خود می‌تواند حاکی از این باشد که شاید دیوان فرید هرگز صورت مدوّن به خود ندیده است. بر این اساس مصحّح ناگزیر شده تا در تصحیح متن از شیوهٔ التقاطی پیروی کند.

در این کار از چهار نسخه استفاده شده و در مواردی نیز به تذکره‌هایی که شعری از شاعر داشته‌اند رجوع شده. اختلافات هر شعر (اعمّ از قصیده و غزل و ترکیب بند و رباعی) به پایان اشعار منتقل شده و در هر مورد مشخّص شده که شعر از کدامیک از نسخه‌ها برگرفته شده است.

در بخش تعلیقات نیز چند سرفصل به چشم می‌خورد: استقبال و نظیره سازی (که مصحّح درآن به اشعار فرید که به تبع اشعار دیگران سروده شده اشاره کرده است)؛ ممدوحان فرید؛ موسیقی، علم نجوم؛ یادداشت‌ها و توضیحات (که توضیحاتی در مورد اطّلاعات پراکنده آورده شده).

در مورد این بخش آنچه به نظر نگارنده می‌رسد این است که شاید بهتر باشد تعلیقات را بدون تفکیک موضوعی و به ترتیب ابیات متن تدوین کرد و در نهایت با ارائهٔ نمایه‌های موضوعی، خواننده‌ای را که اختصاصاً به دنبال این موارد است به مطلوب راهنمایی کرد. در چنین حالتی خواننده می‌تواند به محض مواجهه با مشکل، به موضع مربوطه رجوع کرده مشکلش را برطرف کند بخصوص که در برخی از این موارد تشخیص اینکه فلان اصطلاح مربوط

به چه علمی است برای خوانندهٔ ناآشنا دشوار است.

پس از تعلیقات به بخش فهرست‌ها بر می‌خوریم که شامل: ۱. فهرست کلمات قرآنی، احادیث و عبارات عربی ۲. اشخاص ۳. جای‌ها ۴. نام اجرام سماوی و جایگاه‌های آنها و دیگر اصطلاحات نجومی ۵. نام جانوران و صفات آنها ۶. نام گل‌ها و گیاهان... ۷. فلزات و گوهرها و... ۸. سازها و آهنگ‌ها و... ۹. افزارهای جنگی و رزمی ۱۰. رنگ‌ها ۱۱. اصطلاحات بازی شطرنج و نرد ۱۲. نام اقوام و خاندان‌ها و نسبت‌ها ۱۳. کتاب‌های مأخذ و متن ۱۴. لغات و معانی آنها و در نهایت ۱۵. فهرست منابع و مآخذ است.

در مورد عنوان کتاب به نظر نگارنده بهتر بود عنوان اشهر شاعر (=فرید احول) نیز ذکر می‌شد چرا که این نام تقریباً در تمام تذکره هایی که متذکّر شرح حال وی شده‌اند ذکر شده است و بیشتر او را بدین نام می‌شناسیم. این کار بی احترامی به شاعر محسوب نمی‌شود و از ارزش شعر او نیز نخواهد کاست، چنانکه آگاهی ما از الکن بودن عبدالرزّاق اصفهانی او را از پایگاه والای سخنوری اش نمی‌کاهد.

صرفنظر از تعداد معدودی غلط چاپی و برخی موارد که قرائت ابیات مشکوک به نظر می‌رسد . و البته حلّ آنها نیز احتمالاً با نسخه‌های موجود غیر ممکن بوده . باید بگوییم که تصحیح مطلوبی از متن ارائه شده و مصحّح در تدوین متن زحمت زیادی کشیده و مشخّص است که به اندازهٔ کافی در آثار قدما تتبّع داشته است. از نکات مثبت کتاب اهتمام مصحّح به اعراب گذاری ابیات و استفادهٔ صحیح از علائم سجاوندی است که خوانندهٔ ناآشنا را در قرائت صحیح متن یاری می‌کند.

۳. واژه‌نامهٔ توصیفی صحّافی سنّتی

شیرین محمّدلوی عبّاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵.

بخش مهمّی از مباحث نسخه‌شناسی مرتبط با ساختار فیزیکی دستنویس‌ها است. غیر از مرحلهٔ ساخت کاغذ و کتابت، باقی مراحل ساخت کتاب (نسخهٔ خطّی) مربوط به رشته‌ای می‌شود که آن را با نام عمومی «صحّافی» می‌شناسیم. حتّی در روزگاران قدیم برخی کاتبان کار صحّافی نسخه را نیز خود انجام می‌دادند. به هر حال این رشته شاخه‌های مختلفی را شامل می‌شود که هر کدام بخشی از مراحل تولید کتاب را در بر می‌گیرد و صحّافان معمولاً با بسیاری از این فنون آگاهی داشتند و آنها را به کار

می‌بستند؛ به همین دلیل هم هست که برای احاطهٔ کامل به جزئیات صحّافی نیاز به شناخت شمار زیادی از این اصطلاحات داریم.

اخیراً از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کتابی با عنوان واژه نامهٔ صحّافی سنّتی راهی بازار نشر شده که در آن به بررسی و توصیف بسیاری از این اصطلاحات پرداخته شده. این کتاب در راستای طرح بزرگی که برای گردآوری واژگان و اصطلاحات رشته‌های مختلف از سوی پژوهشگاه علوم انسانی دنبال می‌شود منتشر شده است.

هر مدخل با تلفّظی که در میان اهل فنّ رایج است (یا در فرهنگ لغات ضبط شده) آوانگاری شده و از این نظر تلفّظ صحیح بسیاری از این واژگان و اصطلاحات را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. ذیل هر مدخل - بسته به مورد - توصیف یا تعریفی در مورد آن ذکر شده و در مواردی که تصویری مرتبط با آن مدخل در دست بوده آن تصویر را هم آورده‌اند. در انتهای کتاب نیز ۲۵ تصویر رنگی از ابزار و اصطلاحاتِ تشریح شده در متن به چاپ رسیده است.

بد نیست متذکّر شویم که با توجه به ساختار کتاب هایی از این دست لازم است که بسیاری از مدخل‌ها با تصویری مطلوب همراه شود تا تجسّم آن برای خواننده آسان باشد چرا که برخی از این موارد با توضیح لغوی قابل تشریح نیست و اگر هم باشد باز هم کارآیی تصویر را در انتقال مفاهیم ندارد. از این رهگذر به نظر می‌رسد که در کتاب مورد نظر به اندازهٔ کافی از این تصاویر استفاده نشده است. این را هم بیفزاییم که متأسّفانه بخشی از این نقیصه حاصل دیدگاه نامهربانانهٔ ناشران به این مقوله است.

کتاب برخلاف عنوانی که دارد شامل نام‌ها و اصطلاحات بسیاری است که هر کدام به یکی از مراحل تولید نسخه‌های خطّی مربوط می‌شود و تنها مختصّ صحّافی نیست. از جملهٔ این موارد می‌توان از اصطلاحات مربوط به فنّ کاغذسازی و حتّی فهرست نگاری (مانند نام کاغذها، قطع‌های کتاب و...) یاد کرد. گسترهٔ این نام‌ها و اصطلاحات حتّی موادّ و ابزار مورد استفاده، اصطلاحات فنّی و موارد متعدّد دیگر را در بر می‌گیرد به گونه‌ای که حتّی می‌توان فرهنگ حاضر را به تعبیری فرهنگ اصطلاحات کتاب سازی (یا کتاب‌پردازی) نامید. برای نمونه برخی اصطلاحات مرتبط با دیگر فنون کتاب آرایی را در زیر می‌بینیم:

اصطلاحات کتابت: انجامه(ص۱۰)؛ ترقیمه(ص۲۸)؛ پاصفحه‌ای(ص۲۰)؛ تراش قلم(ص۲۸)

سبک‌ها و اصطلاحات هنری: آرابسک و آذین (ص ۱)؛ ابر و باد (ص ۴)؛ اسلوب صفوی و اسلوب قاجاری (ص ۸)

اصطلاحات صفحه آرایی در چاپ: اشپون (ص ۹)؛ سراشپون (ص ۸۸)

و حتّی گاه اصطلاحاتی نامربوط هم در آن وارد شده؛ مانند: اجازه (ص ۵)؛ استمپ (ص ۶)؛ برنج به عنوان جنس ابزار صحّافی (ص ۱۵)؛ پرت کاغذ (ص ۲۱)؛ نسخهٔ چاپی و نسخهٔ عکسی (ص ۱۶۰). و البته باید توجّه داشت که برخی از اصطلاحات موجود در کتاب شامل مواردی است که در چند دههٔ اخیر رایج شده و اگر بناست در فرهنگ وارد شود باید به این موضوع اشاره شود. از نمونه‌های آن «انجامه» (به جای ترقیمه).

نیز برخی موارد که صورت رایج نداشته و بیش از یکی دو مورد مشاهده نشده. نمونهٔ آن «پروانه‌ای» (ص ۲۳)؛ «قطع پروانه‌ای» (ص ۱۱۶) و «قطع سفینه» (ص ۱۱۹) است که براساس یک نمونهٔ منحصر بفرد تفنّنی (موجود در کتابخانهٔ مجلس) نامگذاری شده و نمونه‌ای رایج نبوده است تا به عنوان مدخلی مجزّا بدان پرداخته شود.

با وجود انتقاداتی از این دست که بر کار وارد است باید بگوییم که بسیاری از اصطلاحات فنّ صحّافی در این فرهنگ وارد شده و از این لحاظ باید گفت که مقصود اصلی به حدّ قابل قبولی برآورده شده است. ضمن اینکه باید بپذیریم اینگونه تحقیقات در کشور ما پیشینهٔ چندانی ندارد و فقط در سال‌های اخیر شاهد ترجمهٔ برخی آثار اروپائیان در این زمینه بوده‌ایم؛ به اضافهٔ برخی پژوهش‌های داخلی که بیشتر در قالب مقاله، در نشریاتی چون نامهٔ بهارستان و میراث شهاب منتشر شده است. با توجّه به این موضوع نمی‌توان انتظار داشت که کاری با این گستره در گام‌های آغازین کاملاً بی عیب و نقص باشد.

گفتنی است که پیش از این کتاب‌های مختلفی در این زمینه منتشر شده که بیشتر آنها ترجمهٔ پژوهش‌هایی است که غربیان در مورد نمونه‌های هنری جلدسازی (و نه صحّافی) در دورهٔ اسلامی انجام داده‌اند و هیچکدام نمایانگر اصطلاحات و روش‌های عملی تولید کتاب (یعنی آنچه که فراسوی این زیبایی‌ها وجود داشته) نیست. تا جایی که نگارنده اطلاّع دارد تنها یک کتاب با عنوان فرهنگ حفظ و نگهداری موادّ کتابخانه و بایگانی، ویراستهٔ کارمن کرسپو نوگوئرا به ترجمهٔ حسن هاشمی میناباد، توسّط مؤسّسهٔ نشر فهرستگان منتشر شده است که شامل برخی اصطلاحات این رشته است. و البته تا ده پانزده سال پیش نیز کتابی با عنوان صحّافی از سوی آموزش و پرورش به چاپ می‌رسید که در سال سوم هنرستان (آموزش حرفه‌ای - گرافیک) تدریس می‌شد و بیشتر شامل تشریح مراحل عملی صحّافی امروزین بود نه اصطلاحات آن.

نکته‌ای که باید در پایان بیفزاییم این است که برای تکمیل چنین فرهنگنامه‌ای نیاز هست که پژوهشی گسترده در مورد اصطلاحات کهن این رشته انجام‌پذیرد تا از این راه هم بخشی از دانش‌های کهن ما - لااقل در قالب شناخت و دریافت اصطلاحات آنها - حفظ شود و هم به غنای هرچه بیشتر این فرهنگ‌ها کمک شود. این کار مستلزم شناسایی و تصحیح متونی است که گذشتگان در این زمینه نگاشته‌اند و انجام آن البته از توانایی یکی دو تن خارج است و باید مراکزی که متولّی اینگونه پژوهش‌ها هستند در این مورد برنامه ریزی کنند.

به هر حال امیدواریم مؤلّف کار را پایان یافته تلقّی نکند و شاهد تکمیل این اثر در ویرایش‌های بعدی باشیم.

۴. کشف الابیات کلیّات شمس تبریزی

به اهتمام هـ. سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵.

ورود رایانه به عالم ادب و فعّالیّت‌های ادبی در سال‌های اخیر و تدوین چندین مجموعهٔ نرم‌افزاری از متون کهن ادب فارسی با قابلیت جستجوی واژگان (و احیاناً عبارات و ترکیبات کوتاه با استفاده از جستجوهای ترکیبی) تحقیقات ادبی را عملاً به مرحلهٔ جدیدی وارد کرده و باعث شده تا کارهایی که سال‌ها پیش با رنج فراوان و نتیجهٔ اندک انجام

می‌گرفت، اکنون بسیار آسان و با نتیجهٔ قابل توجه حاصل شود. دور افتادگان از این وادی باید بپذیرند که آشنایی با این امکانات درست مانند دانستن دستور زبان فارسی و تاریخ ادبیات از ضروریات است و البته این پدیدهٔ غول آسا بر خلاف ظاهر پیچیده‌اش (لااقل در سال‌های اخیر) آنقدرها هم دشوار نیست. روی سخن با اساتیدی است که سنّ و سالی از ایشان گذشته و متأسّفانه نظر خوبی به این پدیدهٔ سودمند ندارند و احیاناً آن را هووی کتاب و پژوهش قلمداد می‌کنند غافل از اینکه تبحّر ایشان در عرصهٔ ادبیات با دانستن چند قاعدهٔ کلّی ایشان را به بهترین کاربران و بهره گیرندگان این نرم افزارها بدل خواهد کرد چرا که این ماشین را هنوز هم (و تا هزار سال دیگر) اندیشه به کار واخواهد داشت.

شاید بپرسید آنچه در صدر این نوشته آمده مشخّصات یک کتاب است و چه ربطی به این حرف‌ها دارد؟

دکتر سبحانی در بخشی از پیشگفتار خود بر این کشف‌الابیات آورده‌اند: «یک پرسش احتمالی باقی می‌ماند که آیا با وجود سی دی «دُرج» یا ظاهراً «گنجینه» چنین کشف‌الابیاتی ضرورت پیدا می‌کند؟ پاسخ این است که این کشف الابیات در مراجعات کوتاه خیلی سریع‌تر از کامپیوتر پاسخ می‌دهد» و در ادامه افزوده‌اند: «مسافرت با هواپیما در فواصل کوتاه خیلی بیشتر از اتومبیل زمان می‌گیرد. شما با اتومبیل خیلی زودتر از هواپیما به کرج یا ورامین می‌رسید.»

آنچه ایشان نوشته‌اند البته صحیح است، ولی مطلب را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان مطرح کرد. چندی پیش به واسطهٔ تحقیقی نیاز پیدا شد که نگارنده آثار شاعری متقدّم را مورد بررسی قرار دهد و در کنار آن، تحقیقاتی را که در مورد آثار شاعر انجام شده بود مطالعه کنم. در میان این آثار تحقیقی یک کتاب چند جلدی - که گویا رسالهٔ دکترای مؤلّف بوده ـ وجود داشت که از نظر شیوهٔ ارائهٔ مطالب کاری نسبتاً جدید محسوب می‌شد، ولی اشکالی داشت و آن اینکه در کنار شواهد شعری فقط آورده بود: «غزل»، «قصیده»، «ترکیب بند» و... و اصلاً اشاره‌ای به جایگاه این شواهد در دیوان شاعر نشده بود. یاد نرم‌افزار «دُرج» و «گنج سخن» افتادم که در صفحهٔ جستجوی آن فقط به همین مشخّصه‌ها اشاره می‌شود و مؤلّف آن کتاب از آنجا که می‌دانسته جستجوی این ابیات در دیوان چاپیِ شاعر چه اندازه دشوار است، به ذکر همان مشخصّات قصیده و غزل و... اکتفا کرده.

آنچه ذکر شد برای این است که مشخّص شود در این نرم‌افزارها در عین اینکه کاربر به سرعت به نتیجهٔ دلخواهش می‌رسد، اما اگر بخواهد کاری علمی و مستند انجام دهد باید مجدّداً به اصل دواوین رجوع کند و نشانی شواهد را با توجه به آن استخراج کند. این البته در صورتی است که شما تک تک دواوین را در اختیار داشته باشید و ضمناً چاپی را که در دسترس دارید همانی باشد که در تدوین نرم‌افزار استفاده شده و آن هم باز تا حدود زیادی وقت گیر خواهد بود در حالی که با در اختیار داشتن کشف الابیاتی می‌توان به سرعت جایگاه بیت را در چاپ پیدا کرد.

امّا درباره کتاب مورد معرفّی؛ این کشف الابیات بر اساس بهترین چاپ موجود از کلیّات شمس تبریزی یعنی چاپ ۱۰ جلّدی (۹ مجلّدی) زنده یاد فروزانفر تدوین شده است. توضیحاً بیفزائیم که مجلّدات ۹ و ۱۰ آن چاپ به فهرست قوافی ابیات اختصاص دارد که در تنظیم آن تلفیقی از ترتیبِ قافیهٔ ابیات با توجّه به آغاز آنها اعمال شده و به همین دلیل جستجوی ابیات در آن تا حدودی مشکل است. البته این شیوه حسنی نیز دارد و آن اینکه اگر شما بخواهید بیتی را از طریق قافیه جستجو کنید (هرچند تا حدودی مشکل) به نتیجهٔ مطلوب خواهید رسید.

در کار دکتر سبحانی عکس کار فوق الذّکر انجام شده یعنی ترتیب ابیات براساس آغاز آنها است و به همین دلیل دو جلد مذکور در کار دکتر سبحانی کاربردی نداشته؛ لذا ایشان آن چاپ را هشت مجلّدی معرّفی کرده‌اند.

می‌دانیم که در چاپ مرحوم فروزانفر هر بیت شماره‌ای جداگانه دارد که به صورت مسلسل و به ترتیب از آغاز درج شده و به همین دلیل ارجاعات کشف الابیات آقای سبحانی به همین شماره است و برای اینکه مشخّص شود خواننده برای مشاهدهٔ بیت در متن دیوان باید مستقیماً به کدام جلد رجوع کند محدودهٔ ابیاتی را که در هر جلد موجود است زیر هر صفحه به دست داده‌اند.

این را هم بیفزاییم که رباعیات از دیگر اشعار تفکیک شده و برای یافتن آنها باید به بخش جداگانهٔ آن رجوع کنید. این البته مشکلی به وجود می‌آورد و آن اینکه اگر شما یک بیت از یک رباعی را در دست داشته باشید و از روی وزن آن نتوانید تشخیص بدهید که بیت مربوط به یک رباعی است مجبور خواهید بود کار جستجو را دوبار انجام دهید.

این یادآوری نیز برای علاقه‌مندان جلال الدّین بلخی سودمند است که پیش از این دو کشف الابیات برای مثنوی تدوین شده. یکی بر اساس چاپ نیکلسون که توسّط دکتر

محمّدجواد شریعت تنظیم شده و دیگری براساس ابیات نسخهٔ قونیه (چاپ دکتر سبحانی) که گویا توسّط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدوین شده است. مشخصّات این دو کتاب را در زیر می‌بینیم.

کشف الابیات مثنوی «نیکلسون»، به کوشش دکتر محمّد جواد شریعت، انتشارات کمال، اصفهان، ۱۳۶۳.

کشف الابیات مثنوی معنوی، تنظیم سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.

۵. فهرست کتاب‌های چاپ سنگی قطع وزیری در کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران

اکرم مسعودی و دکتر محمّدحسن فؤادیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۸۴.

شاید تا ده پانزده سال پیش کتاب‌های چاپ سنگی ارزشی را که سزاوار آن است به دست نیاورده بود. مگر معدودی از این چاپ‌ها مانند دواوین یا چاپ‌های مصوّر که اینها هم حالتی خاص را دارا بود. امّا در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری نگرشی نو به این منابع هستیم تا جایی که برخی مراکز، گروه‌ها و اشخاص کار خود را اختصاصاً به شناسایی و معرّفی کتاب‌های چاپ سنگی و حتّی دیجیتالی کردن آنها اختصاص داده‌اند.

از جمله مجموعه‌های سنگی قابل توجّه موجود در کتابخانه‌ها یکی هم مجموعهٔ سنگی‌های کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران است که در سال جاری شاهد انتشار دومین جلد از فهارس سنگی آن بودیم. این جلد که به کتاب‌های سنگی قطع وزیری مجموعه اختصاص دارد توسّط خانم اکرم مسعودی و با همکاری دکتر محمّدحسن فؤادیان تهیه شده است و شامل مشخّصات ۳۹۰ نسخه از این کتاب‌ها (اعم از نسخه‌های یک اثر یا مجموعه‌ها) است.

جلد اوّل این فهرست که به کتاب‌های قطع رحلی مجموعه اختصاص دارد، پیش از این در سال ۱۳۷۹ هم به توسّط خانم مسعودی و با همکاری خانم منیژه صالحی تدوین و منتشر شده بود. فهرست مذکور نیز دارای مشخّصات ۳۳۷ جلد از کتاب‌های سنگی رحلی آن مجموعه است.

صرفنظر از برخی ایرادات که به زعم نگارنده بر کار وارد است، در کل باید گفت که برای هر کدام از این کتاب‌ها مشخّصات و اطّلاعات متعدّدی بخصوص از نظر مباحث فیزیکی و ظاهری چاپ‌ها به دست داده شده. اینگونه اطّلاعات هرچند ممکن است برای کسی که در این فهارس به دنبال اطلاّعات متنی است آنچنان سودمند نباشد، امّا از نظر بررسی تاریخچهٔ چاپ‌های سنگی می‌تواند مفید باشد. بد نیست متذکّر شویم که برخی از این اطّلاعات در سال‌های اخیر و معمولاً توسّط اروپائیان وارد مباحث نسخه‌شناسی (بخصوص سنگی‌ها) شده و این می‌تواند به عنوان توجیهی خوب برای مخالفان مطرح شود. هرچند به زعم نگارنده گسترش اینگونه مباحث به جای توجّه به مباحث متن شناسانه نشانگر عدم توانایی نسل معاصر غربی در بررسی آثار شرقی و در نتیجه پرداختن به حواشی موضوع است و تبعیّت کامل از شیوه‌های آنان همیشه هم سودمند نیست.

در مورد فهرست حاضر هر چند باید اذعان کرد که زحمت زیادی در گردآوری آن کشیده شده، امّا برخی ضعف‌ها در آن به چشم می‌خورد که جای انتقاد را بر آن باقی می‌گذارد. از جملهٔ مهم‌ترین این ایرادات، فراوانی بیش از اندازهٔ اشتباهات چاپی است. این در حالی است که انتظار می‌رود در فهارس با اشتباهات کمتری مواجه شویم. برای نمونه در صفحهٔ ۱۵ (یعنی صفحهٔ اوّل فهرست) سه اشتباه چاپی دیده می‌شود که یکی از آنها مرتبط به عنوان کتاب است (س ۱۵ عنوان «کشکول» شده: «مشکول»؛ س ۳ واژهٔ «توزیع» شده: «توریع»؛ س ۱۸ واژهٔ «ثبت» شده: «ثیت»). این عدم توجّه به نمونه خوانی را متأسّفانه در سال‌های اخیر در

بسیاری کتاب‌ها می‌بینیم و گویا نویسندگان - و گاه حتّی مصحّحان متون . وقت چندانی برای بازخوانی و بررسی صحّت مندرجات متن ندارند و لذا رضا می‌دهند کار بدون غلطگیری منتشر شود یا شخصی که هیچ اطّلاعی در مورد متن ندارد آن را بازخوانی کند.

از دیگر مشکلات کار توضیحات زائدی است که در متن آمده و به نظر می‌رسد برخی از آنها حاصل عدم توجّه فهرست نگار به برخی جزئیات ثابت در مورد این چاپ‌ها باشد. برای نمونه در ذیل بسیاری از چاپ‌ها آمده: «مهر چهارگوش شیر و خورشید و ملاحظه شد» و «مهر بیضی شکل فلان شخص».

تا جایی که نگارنده اطّلاع دارد دو مهر اوّل در کتاب‌های چاپ ایران (و برخی کتاب‌های وارد شده از کشورهای دیگر) در حکم مجوّز انتشار آن‌ها است. و مهر دوم در حقیقت نشان صاحب امتیاز آن چاپ (اعمّ از چاپ کننده یا ناشر) و در حکم نشانهٔ انحصار آن به شخص مذکور است. حتّی در برخی چاپ‌ها صریحاً اشاره شده که نسخه‌های بدون مهر اخیر جمع آوری خواهد شد. بر این مبنا به نظر می‌رسد که اشاره به دو مهر اوّل (یعنی نشان شیر و خورشید و سجع ملاحظه شد) لزومی ندارد چرا که اکثر کتاب‌های آن دوره این مهرها را دارد. اما در مورد مهر سوم باید توجّه داشت که این مهر نام اهتمام کننده به نشر را مشخّص می‌کند و مهر شخصی صاحب امتیاز آن چاپ و در حکم انحصار چاپ به شخص مذکور است؛ حتی در برخی چاپ‌ها اشاره شده که نسخه‌های بدون مهر اخیر جمع‌آوری خواهد شد. جایگاه این مهر معمولاً در زیر (سمت چپ) ترقیمهٔ کتاب یا در صفحه عنوان بوده و برخلاف مهر شیر و خورشید و ملاحظه شد که چاپی بودند، این مهر به صورت تک تک برهمه نسخه‌ها زده می‌شد. (نیاز به بررسی دارد). همچنین در ذیل مشخّصات بسیاری از کتاب‌ها آمده: «حواشی با امضاء صح»؛ و گویا منظور اختصار «صح» است که نشانهٔ تصحیح اشتباهات در متن یا تأیید صحّت افتادگی‌هایی است که در حاشیه ضبط شده و امضاء محسوب نمی‌شود. یا مثلاً در برخی موارد آمده: «حواشی با امضاء منه، یا، خ ل، به صورت خطّی و چاپی» که گویا اوّلی نشانهٔ نقل از شخصی پیش گفته است و دومی نشانهٔ اختصاری نسخه بدل است.

همچنین باید توجّه داشت که ارائهٔ برخی اطّلاعات در مورد چاپ‌های سنگی لزوم چندانی ندارد. برای نمونه ذیل اکثر قریب به اتّفاق کتاب‌ها آمده «کاغذ نخودی رنگ» یا «کاغذ شکری رنگ»؛ ذکر اینگونه اطّلاعات در مورد نسخه‌های خطّی واجب است و گاه نیاز به ضبط جزئیات بیشتر هم هست. امّا در مورد کتاب‌های چاپ سنگی - که به نقل از مقدمهٔ کتاب پس از ۱۲۴۰ هجری قمری در ایران باب شده . و تقریباً همهٔ کاغذها ماشینی (به اصطلاح فرنگی) است و همهٔ این‌ها هم یا رنگ شکری دارند و یا نخودی، چه لزومی به تکرار این موارد هست؟ در این مورد تنها ذکر نام برخی کاغذهای متفاوت ضروری می‌نمود که تعداد آنها نیز بسیار کم است.

در مورد نام مؤلّفِ آثار گاهی (البته معدود) اشتباهاتی رخ داده. برای نمونه نویسندهٔ مصطلحات الشّعرا که سیالکوتی مل وارسته است به صورت: «وارسته، امامقلی» ضبط شده. در این مورد البته به نظر می‌رسد که برخی اشتباهات از کارهای دیگر اقتباس و به این فهرست وارد شده. برای نمونه نام دولتشاه سمرقندی (نویسندهٔ تذکرة الشّعرا) به صورت: «دولتشاه، دولتشاه بختیشاه» ثبت شده که شبیه همین ضبط در فهرست نویسی پیشی از چاپ انشارات اساطیر به صورت: «دولتشاه، دولتشاه بن بختیشاه» نقل شده و معلوم نیست مسئول فیپا در کتابخانهٔ ملی بر چه مبنایی نام را اینگونه ضبط کرده است. و البته با توجّه به اشتباهات مضحکی که متخصّصان کتابخانهٔ ملّی در اینگونه ضبط‌ها مرتکب می‌شوند ورود این موارد به کارهای دیگر جای تعجّب باقی نمی‌گذارد؟

در پایان لازم است این توضیح را بیفزائیم که انتقادات وارد بر کار و ضعف هایی که در آن مشاهده می‌شود بیشتر مربوط به افزوده‌های فهرست و به عبارتی اطّلاعات جنبی کار است و در مورد اطّلاعات اساسی چاپ‌ها کاری نسبتاً مطلوب انجام شده.

شیوهٔ تدوین فهرست براساس شمارهٔ راهنمای کتاب‌ها است و به همین دلیل دو نمایهٔ نام کسان و نام کتاب‌ها در انتهای کتاب درج شده است. همچنین نمایهٔ موضوعی کتاب‌ها برای جستجوهای موضوعی تهیه و پس از دو نمایهٔ مذکور چاپ شده است.

۶. زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مورّخ و فیلسوف علم استاد رشدی راشد

به کوشش حسین معصومی همدانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با همکاری دانشکدهٔ ریاضی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵

زندگی‌نامه
خدمات‌علمی‌وفرهنگی

پروفسور رشدی راشد

به‌کوشش
حسین‌معصومی‌همدانی

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
با همکاری دانشکدهٔ ریاضی دانشگاه صنعتی شریف

دی ماه ۱۳۸۵

از جمله کارهای سودمندی که در سال‌های اخیر توسّط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی انجام شده پرداختن به زندگی‌نامهٔ بزرگان و اساتید معاصر (سدهٔ اخیر) است که در قالب «مجموعهٔ زندگی نامه‌ها» از سال ۱۳۷۸ منتشر شده و عناوین آن تاکنون به ۷۹ مورد رسیده است. یکی از آخرین عناوین این مجموعه به زندگی و خدمات دکتر رشدی راشد اختصاص دارد که همزمان با سفر ایشان به ایران منتشر شده و در جلسهٔ بزرگداشت وی بدو تقدیم شده است.

دکتر رشدی راشد یکی از پژوهشگران پرکار در زمینهٔ تصحیح متون ریاضی دورهٔ اسلامی است که اتّفاقاً بخشی از این کارها (مانند رسائل سجزی و رسائل جبری خیّام) به آثار ریاضیدانان ایرانی اختصاص دارد، هر چند باید گفت که این آثار همواره تحت عناوینی چون: «مصادر و دراسات فی تاریخ الریاضیات العربیة» منتشر شده است.

از جمله کارهای بسیار سودمند ایشان انتشار مجموعهٔ الریاضیّات التحلیلیّة بین القرن الثالث و القرن الخامس است که تاکنون شاهد انتشار چهار جلد آن توسّط مؤسّسهٔ الفرقان (لندن) بوده‌ایم. این مجموعه حاوی متن عربیِ این آثار به همراه ترجمه و تحلیل آنها به زبان فرانسه است. کتاب دیگر الهندسة و علم المناظر فی ضحی الاسلام است که حاوی تعدادی از متون با ارزشی ریاضی اسلامی (از جمله پرگار تامِّ بیژنِ رستمِ کوهی) است که با ترجمه و تحلیل به انگلیسی هم توسّط مؤسّسهٔ الفرقان منتشر شده است.

شاید بتوان گفت کمتر کسی تاکنون توانسته مانند دکتر رشدی راشد این حجم از آثار ریاضیّات اسلامی را تصحیح و منتشر کند و از این راه، پژوهش‌های ایشان برای ایرانیان که پدید آورندهٔ بخش عمده‌ای از ریاضیات دورهٔ اسلامی بوده‌اند بسیار سودمند است.

یادنامهٔ حاضر شامل متن برخی مصاحبه‌ها، مقالات ایشان در زمینهٔ ریاضی و همچنین قسمتی از کارنامهٔ علمی ایشان است.

علی صفری آق قلعه

بنیانگذاری حکومت فاطمیان: ظهور امپراطوری اسلامی آغازین، مترجم انگلیسی: حمید حاجی

ناشر: انتشارات آی. بی. تاریس با کمک مؤسّسهٔ مطالعات اسلامی لندن، ۲۰۰۶م.

کتاب حاضر بر اساس کتاب افتتاح الدعوه اثر قاضی النعمان فقیه و مورخ اسماعیلی در دستگاه فاطمیان (و. ۹۷۴م) و حواشی آن از عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. موضوع کتاب در برگیرنده رویدادها و شرح زمینه‌های اجتماعی در یمن و شمال افریقا در شروع دعوت اسماعیلیان (الدعوه) درسالهای آغازین سده دهم و شکل گیری و تثبیت دولت فاطمیان می‌باشد.

اعتبار تاریخی افتتاح الدعوه مرهون چند جهت است. به دلیل جایگاه خاصی که مؤلّف آن یعنی قاضی النعمان در دستگاه حکومت فاطمیان داشته دسترسی مستقیم

به مجموعه‌های حکومتی داشته و مستقیماً شاهد زندگینامهٔ شخصیت‌های مرتبط با این جریان بوده است که از آنها در تألیف کتاب تا حد سندی دست اوّل در تاریخ دوره مورد بحث بهره گرفته است. در زمان شروع دعوت اسماعیلیان قلمرو افریقیه در حکومت اغلبی ها قرار داشت و دو فرقهٔ اهل تسنن بطور عمده در آن قلمرو رواج داشت: عامهٔ مردم پیرو فرقه مالکی بودند و خواص، از جمله حاکمان اقلیبید پیرو فرقه حنفی. فقه اسلامی نیز هنوز بصورت جدی شکل نگرفته بود. با شروع دعوت (دعوة) اسماعیلیان و آمدن پیشوای نهضت، المهدی باللّه، از موطن اصلی اش در سوریه به یمن، این شیعیان و آن دسته از پیشوایان حنفی بیرون از حمایت حاکمیت بودند که بلافاصله به آنها پیوستند. پدر النعمان از جمله معدود علمای مالکی قیروان بود که به نهضت تازه گروید. از اینرو احتمال قریب به یقین النعمان بنا به اصول و مبانی شیعی پرورش یافت و از همان اوان جوانی به ترجمه و استنساخ کتب اشتغال ورزید. بعدها به توصیه المهدی که خود از سلالهٔ پیامبر بود به گردآوری و ثبت روایات متعدد و معتبر از کلام اهل بیت پرداخت و آنها را در مجلدی قطور با عنوان کتاب الایضاح عرضه داشت. النعمان بیشتر آثار خود را در زمینه تأویل و اخلاق نوشته است. همچنین با طرح و رد اصول و روش‌های فقاهتی پیشوایان و پیروان اهل تسنن در آثار جدلی خود به تبیین فقه مبتنی بر سیره اهل بیت توفیق یافت.

از سوی دیگر به دلیل آنکه مؤلّف در دستگاه حکومت فاطمیان مناصب مهمی داشته، نخستین تاریخ نگار این نهضت می‌باشد. او با استقرار فاطمیان در زمان خلیفهٔ اوّل به دستگاه حکومتی آنان پیوست و طی پنجاه سال، یعنی تا هنگام مرگش و تا حکومت خلیفهٔ چهارم، معزالدین باللّه به کار خود ادامه داد و در زمان وی به مقام قاضی‌القضاتی رسید و اجازهٔ امامت جماعت کاخ را بدست آورد. از اینرو توانسته در این اثر تصویر دقیقی هم از پیشینه بیداری نهضت اسماعیلی و هم از تشکیل و تثبیت حکومت فاطمیان بدست دهد.

ترجمهٔ انگلیسی کتاب از چهل و دو فصل نسبتاً مساوی تشکیل شده است و فصول آن بر حسب توالی زمانی از آغاز الدعوه تا خلیفه چهارم مرتب شده است. پنج فصل اوّل شرح مبسوطی دارد از آغاز الدعوه در یمن. گماشتن ابن هشام از سوی امام به ابلاغ دعوت در یمن به همراهی ابی ابن الفضل یمنی، ورود این دو داعی به

Founding the Fatimid State:
The Rise of an Early Islamic Empire

An annotated English translation of
al-Qāḍī al-Nu'mān's
Iftitāḥ al-Da'wa

by
Hamid Haji

I.B.Tauris *Publishers*
LONDON • NEW YORK
in association with
The Institute of Ismaili Studies
LONDON

یمن در سال ۲۶۸ق / ۸۸۱م و نضج‌گیری هستهٔ اصلی داعیانی که از یمن به سرزمین‌های دیگر گسیل می‌شدند.

هشت فصل بعدی استقرار ابوعبداللّه را در کوتامه / کتامه و شکل‌گیری جامعه بومی طرفداران نهضت شامل می‌شود. نوزده فصل بعد جز یک فصل که راجع به مهاجرت المهدی است به شرح اقدامات نظامی و فتوحات ابوعبداللّه تا پیروزی نهایی و سقوط اغلبی‌ها می‌پردازد. ده فصل آخر به شرح آغاز دولت فاطمیان، و حکومت المهدی باللّه، و روایت حوادث این ایام تا سال ۳۴۶ / ۹۵۷ یعنی سال تکمیل کتاب اختصاص دارد.

مترجم انگلیسی کتاب، حمید حاجی، در مقدمهٔ خود شرح مبسوطی ارائه می‌دهد که در آن به معرفی مؤلّف، اهمیّت کتاب، محتوای آن، و کیفیت طبع و ترجمه حاضر می‌پردازد. آنطور که مترجم می‌نویسد نخستین کسی که به ترجمهٔ متون عربی اسماعیلی از جمله بخشهایی از کتاب افتتاح الدعوه مربوط به ظهور فاطمیان به انگلیسی پرداخت ولادیمیر ایوانف بوده. در طبع کتاب حاضر، مترجم از هفت نسخه موجود در مؤسسهٔ مطالعات اسلامی لندن و طبع‌های چاپی موجود استفاده کرده است و با مقابله این نسخ متن کاملی را برای این ترجمه که قابل برگردان به زبانهای دیگر باشد فراهم آورده است. بنا به این مقدمه مترجم تا حد امکان سعی کرده تا به متن عربی کتاب پایبند بماند، امّا هر کجا ضرورت ایجاب کرده از اصطلاحات رایج انگلیسی بهره گرفته است. هر

فصل کتاب برای سهولت مراجعه خواننده دارای عناوین فرعی می‌باشد. علاوه بر بخش‌های اصلی، کتاب دارای حواشی و ارجاعات مفید، یک شجره نامه، تاریخ نگار حوادث و جنگهائی که به استقرار فاطمیان انجامید. دو نقشه از افریقیه دوره مزبور، و یک نمایه است. کتاب بنیانگزاری دولت فاطمیان دارای ۲۵۶ صفحه و جلد گالینگور است و توسط انتشارات تاریس و همکاری مؤسسهٔ مطالعات اسلامی لندن انتشار یافته است.

دکتر سیما داد

جلد دوم کتاب آموزش زبان فارسی ویژه ترک زبانان در آنکارا منتشر شد.

جلد دوم کتاب آموزش زبان فارسی ویژه ترک زبانان از سوی رایزنی فرهنگی سفارت ج. ا. ایران در آنکارا و انتشارات بین المللی الهدی چاپ و منتشر گردید.

این کتاب از مجموعه سه جلدی کتاب‌های آموزش زبان فارسی است که مرکز آموزش رایزنی فرهنگی به تدوین آن همّت نموده است. جلد اول آن سال گذشته منتشر شد و جلد سوم آن نیز بزودی منتشر خواهد شد.

در این کتاب نیز ضمن پرداختن به چهار مهارت زبانی تاکید بیشتر بر آموزش شیوه نوشتاری است و شکل گفتاری زبان فارسی نیز در کنار آن آموخته می‌شود.

این کتاب از ۳۰ درس و در مجموع ۳۰۰ ص تشکیل شده و شامل ویژگیهای منحصر به فرد زیر می‌باشد. ترجمه و تلفظ کلیه واژه‌های مهم به کار رفته در کتاب به ترکی، دارا بودن فهرست مندرجات هدف دار، تدریس دستور زبان فارسی در پایان هر درس، جدا از آنچه در متن هر درس بصورت خلاصه آموخته می‌شود. دارا بودن متون جداگانه ادب فارسی با استفاده از گلستان سعدی، کلیله و دمنه و... جهت ترجمه، به منظور تقویت بنیه علمی اساتید و دانشجویان زبان فارسی، درج آوانگاری ویژه برای تسهیل در یادگیری برخی صداها که در زبان ترکی وجود ندارد معرفی آثار، فرهنگی و تاریخی ایران به زبان‌آموز و آشنایی آنها با مشاهیر ادب ایران در دوره معاصر بخصوص شاعران دوران پس از انقلاب اسلامی. این مجموعه به صورت سلسله‌وار ادبیات معاصر و کهن و انقلاب اسلامی ایران را به زبان‌آموزان خواهد آموخت و کلیه این مباحث در ۳ جلد کتاب آموزشی گنجانده شده است.

در این کتاب زبان‌آموزان علاوه بر آشنایی با ساختارهای پایه‌ای زبان، نکات زبانی و کاربردهای آن در جامعه، فرهنگ، هنر و ادب، مکان‌های تاریخی و تفریحی، دیدنی‌های ایران، بزرگان، مشاهیر، آداب و رسوم و آیین‌ها نیز به اجمال آشنا می‌شوند.

روابط عمومی رایزنی فرهنگی سفارت ج. ا. ایران - ترکیه

پنج کتاب تازهٔ نشر کازرونیه

۱. دفتر دوم کازرونیه با مقالات ذیل:

تاریخچه فرهنگ کازرون/ به کوشش عماد امیر عضدی.

مکاتب و مدارس اسلمی کازرون/ محمدمهدی مظلوم‌زاده.

تاریخچهٔ مختصر دبیرستان شاهپور/ علی ریاضی.

میرزا صالح کازرونی/ سید فرید قاسمی.

اسناد کازرون در سازمان اسناد ملّی/ خدیجه فهیمی‌فر.

عقدنامه شیخ ابوتراب بحرانی/ بازخوانی عمادالدین شیخ الحکمایی.

هادی السبیل (سید عبدالوهاب سعیدی)/ به کوشش عمادالدین شیخ الحکمایی.

قرآن کازرون و ترجمهٔ کهن آن/ دکتر عصمت اسماعیلی.

محوطه‌های پارینه سنگی دشت کازرون/ عبدالرضا دشتی زاده.

فهرست مساجد کازرون (محمدحسن ادیبی)/ به کوشش سعید ادیبی.

تاریخ خشت و کمارج/ موسی مطهری.

زندگی و آثار علی نقی بهروزی/ سیمین بهروزی.

میرزا حسن عکاس باشی/ دکتر محسن جعفری مذهب.

علاّمه قطب الدین/ استاد عبداللّه انوار.

ملا مکنون دوانی/ سیدمحمد طباطبایی بهبهانی.

موسی کازرونی و کتابخانه او در بوشهر/ علی صدرایی خویی.

زندگی و آثار نادری کازرونی/ علی بته کن.

گویش کرشی/ عبدالنبی سلامی.

۲. کازرونیه دفتر سوم (مقالات مردم‌شناسی حسن خاتمی) عبارتند از:

مروری کوتاه بر جغرافیا و تاریخ کازرون؛ آیین و مراسم زناشویی؛ زایمان در فرهنگ مردم کازرون؛ برخی بیماریها و درمانهای عامیانه در کازرون؛ زیارت و زیارتگاه در فرهنگ مردم کازرون بقعهٔ امام زاده قربانی در باور مردم کازرون؛ موجودات خیالی و جانداران در باور مردم؛ باورهای عامیانه در فرهنگ مردم کازرون؛ خواب و تعبیر خواب در فرهنگ مردم کازرون؛ تل حرف خانه؛ شب اول چلّه؛ عید نوروز؛ چشم زخم در گویش کازرونی؛ شیطان و مردم کازرون؛ خوراکی‌های سنتی کازرون؛ ریشهٔ چند ضرب المثل کازرونی؛ روباه در ضرب المثلهای کازرون؛ قصه‌های ملاّ نصرالدین در فرهنگ مردم کازرون؛ کتاب فروشی‌های کازرون؛ قهوه خانه‌های کازرون.

۳. کتیبه‌های پهلوی کازرون. تألیف دکتر سیروس نصرالله زاده

این کتاب با نوشته‌ای از دکتر عبدالرسول خیراندیش آغاز شده است. حوزهٔ کازرون چه در دورهٔ ساسانیان آغازین، به لحاظ مجموعهٔ معظم بیشاپور، و نیز تمامی دورهٔ این سلسله و همچنین آغاز اسلام در این منطقه که تا قرن چهارم حاکمی زردشتی داشته و انبوهی سنگ مزارهای به پیدایی آمده در این اقلیم که نشانگر تداوم دین زردشتی در این خطّه است، در تاریخ ایران باستان و دورهٔ اسلامی جایگاهی ممتاز دارد. این وجیزه شاید ادای دینی به جغرافیایی باشد که از منظر سیاسی و تمدنی و دینی نقش مهمی در تاریخ ایران داشته است. شمار کتیبه‌های معرفی شده در این مجموعه شامل سه کتیبه دولتی و چهارده کتیبه گور نوشته است. این کتیبه‌ها عبارتند از:

کتیبه‌های دولتی: کتیبهٔ شاهپور در بیشاپور (معروف به افسای دبیر)/ کتیبهٔ بهرام دوم/ نرسی در تنگ چوگان/ کتیبهٔ کردیر در سر مشهد کازرون

در ادامه متن بازخوانی شده، آوانویسی و تصویر چهارده گورنوشته ارائه شده است: کتیبهٔ میدانک / کتیبهٔ پریشان / ۳. کتیبهٔ مشتان / کتیبهٔ حسین آباد/ کتیبهٔ گلی بر مزاری/ کتیبهٔ بیشاپور یک/ کتیبهٔ بیشاپور دو / کتیبهٔ بیشاپور سه/ کتیبهٔ بیشاپور چهار/ کتیبهٔ بیشاپور پنج/ کتیبهٔ تل اسپید نورآباد و کتیبهٔ نیروگاه سیکل ترکیبی.

۴. کتابنامه باستان‌شناسی استان فارس، تألیف علیرضا عسکری

کتاب‌شناسی‌ها با تسهیل دسترسی پژوهشگران به منابع پژوهشی یکی از شاخصه‌های توسعه در هر دانش است. در زمینهٔ باستان‌شناسی و به طور اخص باستان‌شناسی فارس، شناخت و معرفی پتانسیل‌های تاریخی و فرهنگی می‌تواند گامی مثبت برای هر نوع برنامه ریزی منطقه‌ای محسوب شود. بدیهی است حوزهٔ باستان‌شناسی کازرون با آن همه تنوع آثار خود از مهمترین مناطق فارس محسوب می‌شود. گسترش این کتاب‌شناسی در مجموع در نه بخش اصلی: کلیات فارس، بررسی‌های باستان شناختی، گمانه زنی و کاوش‌های باستان‌شناختی، دوره پیش از تاریخ، شهرنشینی (تمدّن ایلام)، باستان‌شناسی و هنر هخامنشی، حکومت‌های محلّی ناحیه فارس، باستان‌شناسی و هنر ساسانی، فارس در عصر اسلامی: باتسان‌شناسی و هنر تنظیم شده است. علاوه بر این بخش‌های اصلی، هر بخش به چند بخش فرعی و فرعی‌تر تفکیک شده است. به عنوان مثال، در هر دوره ابتدا کلیات باستان‌شناسی و هنر آن دوره مطرح شده است، سپس بنا به اهمّیت موضوع به ترتیب: معماری، نقش برجسته، خط و زبان، سکّه، مهر، فلزگری، پوشاک و به طور خاص منابع پژوهشی در مورد مکان هایی که بیشترین نتایج فرهنگی آن دوره حاصل کاوش‌های باستان‌شناسی از آن مکان است، ارائه شده است.

اطلاعات کتاب شناختی هر مدخل در حد معرفی مقاله، کتاب، رساله و در مواردی سخنرانی است. شماره مدخل‌ها به صورت مسلسل براساس حروف الفبایی در هر موضوع از شماره ۱ شروع شده و در آخرین بخش موضوعی کتاب به شماره ۱۸۶۰ خاتمه یافته است. بنابراین، دسترسی به مدخل‌ها با توجه به فهرست موضوعی ابتدای کتاب و نمایه نام کسان و نام مکان‌ها در بخش انتهای کتاب میسر است.

۵. جغرافیای تاریخی بیشاپور و کازرون، تألیف دکتر جهانبخش ثواقب

مهمترین موضوع کتاب چنان که از نامش پیداست مبحث مهم جغرافیای تاریخی این دو شهر مهم منطقه با استفاده از منابع کهن تاریخی و جغرافیایی است. این کتاب شامل پنج فصل اصلی است: ایالت فارس و

کوره‌های آن/ بیشاپور در گسترهٔ زمان/ کازرون در پویه تاریخ/ اختصاصات کوره شاپور/ حوادث تاریخی شاپور و کازرون.

نمایه‌های مفصل اسامی و اماکن و اصطلاحات بر غنای کتاب افزوده و مطالعات مربوط به منطقه را تسریع می‌بخشد.

عمادالدین شیخ الحکمایی

ابواب الهدی

ابواب الهدی، تألیف آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، به کوشش حسن جمشیدی، انتشارات بوستان کتاب وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم، ۱۳۸۵.

آیت الله میرزا مهدی اصفهانی از دانشورانی است که به سبب نگرش ویژه به علوم و دانش‌های دینی به ویژه مخالفت آشکار با فلسفه و عرفان رایج در زمان خود، بسیار تأثیرگذار بوده است. در این کتاب به دیدگاه‌های وی دربارهٔ معارف اصیل دینی پرداخته شده است که بسیار خواندنی است. همهٔ تلاش او این است تا ثابت کند که دین، نظام فکری مستقل و اصیل دارد و برای دین شناسی و هدایت، هیچ نیازی به عرفان و فلسفه رایج نیست.

از این اثر نسخه‌های متعددی موجود است که پژوهشگر آن با جمع آوری نسخه‌ها و مقابله آنها، برای نخستین بار بصورت کامل این اثر را ارائه کرده است.

کتاب‌شناسی ابن سینا

کتاب‌شناسی ابن سینا، دکتر رامین خانبگی، آکادمی مطالعات ایرانی لندن، ۳۵۰ ص، ۱۳۸۵.

این اثر در دو بخش کلی تنظیم شده است؛ بخش اوّل به معرفی آثار ترجمه شده به لاتین از ابن سینا اختصاص یافته است و بخش دوم نیز شامل آثار نوشته شده دربارهٔ زندگی ابن سینا و آثار و اندیشه‌های او می‌باشد.

در این کتاب ۱۵۵۳ کتاب و مقاله معرفی شده است. تمامی آثار بر اساس نام نویسنده، فهرست و معرفی شده‌اند. در پایان نیز نمایه‌ای الفبایی بر اساس نام کتاب‌ها و مقالات تهیه شده است. مقدمه‌ای کوتاه با عنوان «درآمدی کوتاه بر فلسفهٔ ابن سینا» از دکتر سلیمان صفوی آمده است. از بین نویسندگان که بیش از دیگران دربارهٔ ابن سینا کتاب یا مقاله نوشته‌اند می‌توان به اتین ژیلسون، مارس ترزه، سید حسین نصر و لویی گاردت اشاره کرد.

تصحیح نسخهٔ الثبت الکبیر

شیخ حسن المشّاط المکی، محمد ابن عبید، زبان: عربی

این کتاب، جلد سوم از مجموعه مکة المکرمه ـ مرکز فرهنگ اسلامی ۱۴۲۶ق (۲۰۰۵ م) است. این اثر تصحیح نسخه‌ای خطی است که توسط استاد مشهور ساکن شهر مقدس مکّه نگاشته شده است. او در ۱۷ شوال ۱۳۹۹ درگذشت.

فهرست مطالب کتاب به شرح زیر است:

- معرفی الامام ابی علی حسن محمد المشّاط نویسنده این اثر
- نمونه‌هایی از دوره‌های درس در مساجد مکّه. این دوره‌ها به تدریس سنت پیامبر می‌پرداختند.
- اجازه برای تدریس در مساجد مکّهٔ مکرّمه
- اجازه تدریس مباحث دینی: ریشه و تغییرات آن
- روشهای تدریس سنت پیامبر در مساجد مکّهٔ مکرّمه
- معرفی نسخه خطی «الثبت الکبیر»
- معرفی نسخه اساس برای تصحیح این اثر

مجموعه مقالات کنفرانس پنجم (بنیاد اسلامی الفرقان)

زمین و علوم آن در نسخه‌های خطّی اسلامی (مجموعه مقالات کنفرانس پنجم)، ابراهیم چابوه، سال: ۲۰۰۵، زبان: عربی

پنجمین کنفرانس بنیاد الفرقان به تلاش برای بررسی مشکلات تصحیح نسخه‌های خطّی علوم و بنیان گذاری روشی برای حل این معضل اختصاص یافته است. این کنفرانس که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد توجه خود را کاملاً به نسخه‌های خطّی رشته‌های مختلف علوم زمین‌شناسی معطوف ساخته بود. بسیاری از اساتید و محققان معروف در این کنفرانس به سخنرانی پرداختند و پژوهشگران این رشته نیز نظرات مؤثری ارائه دادند.